

قدرت اتحادیه کارگری و توسعه انسانی در

شرق آسیا و آمریکای لاتین^۲

چکیده

در این مقاله، از «رگرسیون حداقل مربعات معمولی چندگانه» برای سنجش تأثیر قدرت جنبش کارگری بر رشد توزیع درآمد و مرگ و میر زودرس در کشور شرق آسیا و آمریکای لاتین استفاده شده است. قدرت جنبش کارگری، با استفاده از شاخصی جدید و براساس اطلاعات بدست آمده از سازمان جهانی کار سنجیده می‌شود. با کنترل سایر متغیرهای مربوطه، مشخص می‌شود که شاخص قدرت نیروی کار، دارای تأثیر مثبت نه چندان زیادی بر رشد، تأثیر منفی کمی بر روی برابری درآمد و نیز بقای نوزادان و دوام مدت عمر، و تأثیر منفی بسیار زیادی بر روی بهبود امید به زندگی و بقای کودکان است. یکی از دلایل تأثیر در مجموع منفی قدرت نیروی کار بر روی "توسعه انسانی" می‌تواند این باشد که اتحادیه‌ها، همراه با نهادهای فعال دیگری که نماینده گروههای نسبتاً مرفه شهری‌اند اغلب دولت‌ها را وامی‌دارند تا سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی را در جهت اقشار شهری و بخش‌های رسمی اتخاذ کنند که به غفلت از روستائیان و شهرنشینان بی‌چیز انجامیده یا باعث تحلیل رفتن بنیه اینگونه اقشار شود.

۱. به ترتیب عضو هیأت علمی و دانشجوی کارشناسی رشته اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. مقاله ترجمه‌ای است از:

اتحادیه‌های کارگری را گاه به مثابه مانعی برای رشد اقتصادی می‌دانند، اما عقل سلیم و شواهدی که از کشورهای ثروتمند وجود دارد، اینگونه اتحادیه‌ها را با توزیع عادلانه‌تر درآمد و شرایط زندگی بهتر برای اقشار فقیر ارتباط می‌دهد. اما در کشور شرق آسیا و آمریکای لاتین، اتحادیه‌های قوی تأثیر مثبتی ناچیز بر روی رشد اقتصادی، تأثیر منفی اندکی بر روی عادلانه بودن توزیع درآمد و ارتباط منفی قوی‌ای با بهبود و پیشرفت امید به زندگی بقای نوزادان و کودکان داشته است. برای توضیح اینکه چرا قدرت و قوت اتحادیه‌ها در این کشورها با عملکرد ضعیف‌تر شاخص‌هایی از توسعه است که برای اقشار بی‌چیز و کم‌درآمد اهمیت ویژه دارد، دانستن این نکته حائز اهمیت است که رهبران و اعضای اتحادیه‌های کارگری در آسیای شرقی و آمریکای لاتین: غالباً قشری مهم (اما معمولاً در مقام و موقعیت دوم) از یک بخش ائتلافی درسی شهری قدرتمنداند که علاوه بر آنها، صاحبان مشاغل و مدیران، صاحبان حرف، کارکنان دولت و پرسنل نظامی را در برمی‌گیرد. چنین ائتلاف‌هایی به دولت‌ها (که اکثر مسئولین‌شان نیز متعلق به همین ائتلاف شهری است) فشار می‌آورند تا سیاست‌هایی را به کار گیرند که با منافع مشترک و کوتاه مدت رأی‌دهندگان مختلف و متنوع همخوانی دارد، اما می‌تواند به غفلت از ساکنان مناطق روستایی و بخش‌های غیررسمی شهری منجر شود و یا بنیه این اقشار را به تحلیل برد.

شانزده کشوری از شرق آسیا و آمریکای لاتین که در این تحلیل مورد مطالعه قرار گرفتند. از هر یک از دو منطقه مزبور ۸ کشور سرمایه‌داری را با بیشترین سابقه توسعه صنعتی شامل می‌شد. به عبارت دیگر، این کشورها ممالکی بودند که امکان بوجود آمدن در رشد یک جنبش کارگری با ابعاد و وجود قابل ملاحظه در آنها وجود داشت. کشورهای آمریکای لاتین عبارت بودند از آرژانتین، برزیل، شیلی، کلمبیا، مکزیک، پرو، اورگوئه و ونزوئلا. کشورهای شرق آسیا عبارت بودند از کشورهای موسوم به «چهار ببر»، یعنی هنگ‌کنگ، سنگاپور، کره جنوبی و تایوان، بعلاوه کشورهای اندونزی، مالزی، فیلیپین و تایلند که در جنوب شرق آسیا واقع‌اند. در این بررسی، این کشورها به عنوان نمونه‌ای از همه کشورها یا تمام کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده‌اند، بلکه به عنوان مجموعه کاملی از نمونه‌هایی تلقی شده‌اند که بخودی خود بسیار جالب است. هدف از این تحلیل نیز متناسب با این برداشت، بیش از آنکه بررسی اموری باشد که تصور می‌گردد در مورد این کشورها صادق است (با توجه به اینکه تعداد این موارد کمتر از آنست که بتوان به چیزی بیش از نتیجه‌گیری

پیشنهادی در این خصوص دست یافت):

این است که مبناهایی مقاسه‌ای را برای تحقیق در مورد این شانزده کشور بوجود آورد.

از قدرت جنبش کارگری می‌توان انتظار داشت که هم تأثیر مثبت و هم تأثیر منفی بر رشد، برابری در توزیع درآمد، و سطح و تغییرات مرگ و میر زودرس داشته باشد. از اینرو، هرگونه تأثیر آماری قدرت جنبش کارگری را بر این وجود «توسعه انسانی»، قبل از هر چیز به مثابه یک تأثیر ویژه می‌توان دانست. بنابراین، بخش اول به طرح کلی انواعی از سازه‌های اتفاقی‌ای می‌پردازیم که بر اثر آنها قدرت جنبش کارگری می‌تواند هم رشد توسعه را شدت بخشد و هم مانع از آن شود. بخش دوم به توصیف نتایج و دستاوردهای توسعه انسانی می‌پردازد، بخش سوم نحوه سنجش و اندازه‌گیری قدرت جنبش کارگری را شرح می‌دهد. در فصل چهارم، متغیرهای کنترل و طرح و نتایج این تحلیل شرح داده می‌شود. بخش آخر نیز به توضیح «ائتلاف بخش رسمی شهری» در رابطه با تأثیر منفی ویژه قدرت جنبش کارگری بر کاهش میزان مرگ و میر زودرس می‌پردازد.

قدرت جنبش کارگری منافع و هزینه‌های آن برای توسعه انسانی

قوت جنبش کارگری با شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی و با افزایش میزان این احتمال که ثمرات این رشد به نحو عادلانه‌تری توزیع شود و مردم را از وضعیت فقر نجات دهد، می‌تواند توسعه انسانی را ارتقاء بخشد. همچنین می‌تواند با کندکردن رشد، با کاهش برابری در توزیع درآمد و با انحراف و دورکردن خط مشی‌ها و سیاست‌های عمومی از منافع کسانی که از اکثر اعضای اتحادیه فقیرتر و بی‌چیزتراند، بر سر راه توسعه انسانی مانع انسانی مانع ایجاد کند. این بخش به بررسی برخی سازوکارهایی می‌پردازد که با استفاده از آنها، قدرت نیروی کار انتظار می‌رود که به توسعه انسانی کمک کند و سپس برخی سازوکارهای دیگر را مشخص می‌کند که با وجود آنها انتظار می‌رود قدرت نیروی کار مانع از توسعه انسانی شود.

منافع قدرت اتحادیه کارگری برای توسعه انسانی

منافع در رابطه با رشد: قدرت اتحادیه کارگری می‌تواند حداقل از ۶ طریق به رشد اقتصادی کمک کند. این ۶ طریق عبارتند از: (۱) با بالابردن میزان دستمزدها، اتحادیه‌های

قوی تضمین می‌کنند که کارگران پول و امکانات لازم برای خرید کالاها و خدمات (به عنوان مثال) مورد نیاز خود را به نحوی که بتوانند با بهره‌وری کار کنند بدست خواهند آورد. (۲) انواع دستاوردهایی که کسب آنها در چارچوب اتحادیه‌های قدرتمند آسان‌تر است، از جمله دستمزدهای بالا و منافع و مزایای چشمگیر، کنترل بیشتر بر روی مشاغل، و امنیت شغلی بیشتر، می‌تواند با بهبود بخشیدن به وضعیت روحی کارگران به بهره‌وری کمک کند. (۳) هزینه‌های بالای نیروی کار که اغلب وابسته به اتحادیه‌های قدرتمند است می‌تواند به مدیریت فشار وارد کند تا با کارایی بیشتری کار کنند و تولید را در جهتی سازمان دهد که تولیدات و روش‌هایی با ارزش افزوده بالاتر داشته باشد. (۴) امنیت شغلی بیشتر که به تبع وجود اتحادیه‌های قدرتمند حاصل می‌شود، از نرخ تعویض نیروی کار می‌کاهد که این امر به نوبه خود انگیزه فراگیری مهارت‌های مشخص را در کارگران و انگیزه سرمایه‌گذاری در امر آموزش را در کارفرمایان افزایش می‌دهد. بررسی و تحقیق در مورد کشور مالزی نشان می‌دهد که مؤسساتی که کارگران آن عضو اتحادیه هستند. در مقایسه با مؤسساتی که کارگران آن در اتحادیه عضویت ندارند، حتی در شرایطی نیز که سایر عوامل از جمله وسعت و اندازه مؤسسه و مالکیت خارجی ثابت می‌ماند، بیشتر گرایش به سرمایه‌گذاری در امر آموزش دارند، (استندینگ ۴۶ - ۳۴۱:۱۹۹۲). (۵) کارگران اغلب بیش از مدیران از این امر آگاه‌اند که برای بالابردن میزان بهره‌وری چه باید کرد. اتحادیه‌ها این اطمینان را به کارگران می‌دهند که هر اطلاعاتی را که کسب کنند هم به نفع خودشان است و هم به نفع مدیریت (بانک جهانی، ۸، ۱۹۹۵)؛ و بالاخره (۶) جنبش‌های کارگری ای که بخش بزرگی از نیروی کار را در برمی‌گیرند: انگیزه و تمایل خاصی دارند که مبادرت به فعالیت‌هایی نکنند که به نفع اعضایشان است اما هزینه‌هایی را به سایر بخش‌های جامعه تحمیل می‌کند، زیرا در اینصورت اعضای آنها مسبب تحمل بسیاری از این هزینه‌ها خواهند بود. (ارلسون ۵۳-۴۷:۱۹۸۲).

اگر قدرت جنبش کارگری از طریق سازوکارهایی که شرح داده شد باعث افزایش و بالارفتن میزان رشد می‌شود، پس با افزایش کل ثروت جامعه به کاهش فقر کمک می‌کند، اگر این که رشد، همزمان باعث نابرابری بیشتر در توزیع درآمد شود یا این که علیرغم رشد، اجازه داده شود منابع مورد استفاده جهت بهداشت عمومی، آموزش همگانی و سایر خدمات تحلیل برود. حتی اگر رشد با نابرابری بیشتر در درآمدها و غفلت اسف‌انگیز از امر تأمین عمومی باشد، در صورت سریع بودن و پایدار بودن رشد، تأثیرات بهبود بخش افزایش ثروت کل

جامعه حتی می‌تواند بر اثرات مخرب افزایش نابرابری در درآمد و نیز تأثیرات یک سیاست عمومی بی‌توجه در حفظ فقر بچرخد. منافع در رابطه با توزیع درآمد و فقر درآمد: قدرت اتحادیه کارگری حداقل از ۶ طریق می‌تواند به یکنواختی توزیع درآمد کمک کند: (۱) گسترش اتحادیه‌ها اغلب باعث می‌شود تا آن بخش از درآمد ملی که به دستمزدها اختصاص دارد به زیان منافع صاحبان ثروت افزایش یابد. این امر سبب می‌شود تا توزیع مجدد درآمد صورت گرفته و درآمد از طرف نخبگان به سمت گروه‌های غیرنخبه جامعه برود. (۲) اتحادیه‌ها معمولاً خواهان آنند که مزد بر اساس نوع کار پرداخت شود و نه بر مبنای میزان تولید و کارایی مشخص: که این امر کاهش نابرابری در دستمزدها را در یک مؤسسه (یا چنانچه چانه‌زنی در سطح یک صنعت صورت گیرد، در صنعت) در پی خواهد داشت. (۳) حتی در صورتی که گسترش فعالیت اتحادیه‌ای، کارفرمایانی را که با کارگران متشکل در اتحادیه‌ها روبرو نیستند و امیدارد تا مزدهای بالاتری را به کارگران خود بپردازند که در شرایط عادی نمی‌پرداختند. این امر به نوبه خود باز هم باعث یکنواختی بیشتر دستمزدها در سطح کل جامعه خواهد شد. (این پدیده، معروف به تأثیر «تهدید اتحادیه» است). (۴) دستمزدهای بالاتری که بوسیله اتحادیه‌ها تأمین می‌شود، باعث می‌گردد تا تقاضا به سمت کالاهای با مصرف انبوه تغییر جهت دهد. این کالاها، در قیاس با اجناس لوکس، کاربرتراند و اغلب بیشتر تولید داخل کشور هستند تا وارداتی. (۵) اتحادیه‌های قدرتمند، در مقایسه با اتحادیه‌های ضعیف، از امکانات بهتری برای کمک به موفقیت احزاب هوادار سیاست‌های توزیع مجدد درآمد برخوردارند. و بالاخره اینکه (۶) در بین انتخابات (و حتی در شرایط عدم وجود انتخابات)، اتحادیه‌های قدرتمند از امکانات بهتری برای اینکه دولت را به اتخاذ سیاست‌های توزیع مجدد درآمد وادارند. این اثرات مثبت قدرت اتحادیه‌های کارگری بر توزیع درآمد، در پیوند با اثرات مثبت آن بر روی رشد مطابق با آنچه که در بالا شرح داده شد، ولی می‌تواند فقر درآمد را کاهش دهد که این امر به نوبه خود باعث کمک به بالا رفتن متوسط عمر و کاهش میزان مرگ و میر در کودکان طبقه کارگر خواهد شد.

هزینه‌های قدرت اتحادیه‌های کارگری برای توسعه انسانی

هزینه برای رشد: اتحادیه‌های کارگری، حداقل از چهار طریق می‌توانند بر سر راه رشد اقتصادی مانع ایجاد کنند (۱) از آنجا که اتحادیه‌های کارگری قدرتمند موفق به کسب

دستمزد بیشتری برای کارگران می‌شوند، به همان نسبت منافع و عایدی کمتری برای سرمایه‌گذاری باقی می‌ماند. (۲) اگر بالارفتن دستمزدها بیش از بهره‌وری باشد به تورم دامن می‌زند که چنانچه نرخ این تورم بالا یا غیرقابل پیش‌بینی باشد مانع از پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خواهد شد. (۳) تأثیر اتحادیه‌ها بر امر استخدام و اخراج کارگران، می‌تواند به بالا رفتن بیش از نیاز تعداد کارگران یک مؤسسه و حفظ کارگران ناکارآمد انجامیده و راندمان تولید را پائین بیاورد. علاوه بر این، نظارت و کنترل اتحادیه‌ها بر روند کار، می‌تواند مانع از این شود که کارفرمایان بتوانند کار سازماندهی کارهای و وظایف و نیز برنامه‌ریزی را با کارایی بیشتری انجام دهند. همچنین، (۴) اتحادیه‌های کارگری قدرتمند، و مشخصاً اتحادیه‌های فعال در بخش‌هایی که تولیدکننده کالاهای فوق‌العاده گران‌قیمت و یا کالاهای نامرغوب‌تر از آنکه بتوان آنها را صادر کرد هستند، اغلب بخشی اساسی از ائتلاف‌های سیاسی‌ای را تشکیل می‌دهند که دولت‌ها را از پائین آوردن ارزش پول و اتخاذ سیاست‌هایی در جهت چرخش از جایگزینی واردات و روی آوری به صنعتی شدن با هدف صدور کالا منصرف می‌کنند. (ساجس^۱: ۵۵۶: ۱۹۸۵؛ کوفمان^۲: ۱۳۳: ۱۹۹۰؛ هاگارد^۳: ۲۶۹-۲۴۹: ۱۹۹۰؛ فک‌گوایر^۴: ۳۳-۳۳۲: ۱۹۹۵). روی آوری به سیاست افزایش صادرات، به دولت‌ها کمک می‌کند تا بر کمبود ارز غلبه کنند که خود کمبود ارز غالباً به مثابه ترمزی در رابطه با رشد عمل می‌کند. این امر باعث می‌شود تا تولیدکنندگان راحت‌تر بتوانند از صرفه‌جویی مقیاس^۵ بهره‌مند شوند و انگیزه‌های رقابتی بیشتری برای پائین آوردن قیمت و بالابردن کیفیت تولیداتشان داشته باشند. بطور کلی، جنبش‌های قوی کارگری چندان کاری به این ندارند که کارگران را از عمل کردن به شیوه‌هایی منصرف کنند که به نفع اعضای اتحادیه اما به زیان رشد اقتصادی کل جامعه است، مگر اینکه این جنبش‌ها بتوانند بخش بسیار عظیمی از نیروی کار را سازماندهی و متشکل کنند. (اولسون ۶۴-۶۳-۱۹۸۳)

هزینه‌های مرتبط با توزیع درآمد و فقر: اتحادیه‌ها به همان میزان که مانع رشد اقتصادی می‌شوند، با کاهش ثروت جامعه به عنوان یک کل، سرعت کاهش فقر را نیز کند

1. Sschs

2. Kan Faman

3. Haggard

4. Mc Guire

۵- صرفه‌جویی مقیاس: تقلیل در متوسط هزینه واحد همراه با افزایش در اندازه کارخانه یا فعالیت تا به میز معین، از آن پس ترقی اینگونه هزینه‌ها

می‌کنند. بعلاوه، قدرت اتحادیه از سه راه می‌تواند بر سر راه کاهش فقر ایجاد مانع کرده و حتی نابرابری در درآمد را از آنچه هست بیشتر کند: (۱) دستمزدهای بالای کارگران که معمولاً حاصل فعالیت‌های اتحادیه‌های قوی است، مانع از آن می‌شود که کارفرمایان کارگران بیشتری را به کار بگیرند و سرمایه‌گذاری در تولیدهای کاربر را کاهش می‌دهد و این امر باعث بیشتر شدن میزان بیکاری و اشتغال نامکفی خواهد شد. بازارهای کار را کدی که به این ترتیب ایجاد می‌شود، دستمزدهای کارگرانی را که در اتحادیه‌ها عضویت ندارند کاهش می‌دهد. (اثر «فشارآوری اتحادیه‌ها») (آریگی^۱ و سول^۲ ۱۶۲ و ۱۵۱-۱۴۷:۱۹۶۸). نوشته از این، قَلت و کمیابی مشاغل رسمی باعث می‌شود تا مردم به فعالیت‌های غیررسمی شهری و روستایی‌ای بپردازند که عایدی چندانی ندارد. در اینگونه فعالیت‌ها آنها در معرض خطرات بیشتری قرار می‌گیرند که می‌تواند موجب افزایش نرخ مرگ و میر شود و از سوی دیگر، کمتر می‌توانند از خدمات عمومی استفاده نمایند. به این ترتیب، نیروی کار به دو بخش تقسیم خواهد شد: یکی کارگران شاغل در بخش مشاغل رسمی که از وضعیت بهتری برخوردارند، و دیگر کارگران مشغول بکار در بخش غیررسمی شهری و روستایی که وضع‌شان بدتر است. به عنوان یک نمونه خوب برای این دوگانگی در وضعیت کارگران، می‌تواند از برزیل یاد کرد. در این کشور در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰. کارگران شاغل در بخش مشاغل رسمی شهری که قطعاً اعضای اتحادیه‌ها در میان آنها فشر ممتازی بودند، در میان صاحبان درآمدهای بالا تعدادشان کمتر از ۳۰٪ بود، حال آنکه بیش از ۵۰٪ افراد با کمترین درآمد را تشکیل میداند. (وود^۳ و کاروالهو^۴ ۱۶-۱۹۸۸:۷۸) (۲) تورم که یکی از علل آن بالا رفتن دستمزدها بیش از منافع حاصل از تولید و بهره‌وری است، به اقشار فقیر و بی‌چیز بیش از سایر بخش‌های اجتماع آسیب وارد می‌کند. (مورلی^۵ ۱۶-۱۵۷:۱۹۹۵). برخلاف این اقشار بسیار فقیر، کارگران عضو اتحادیه‌های کارگری ممکن است نیروهایی بگیرند که بیش از میزان افزایش تورم باشد، و در غیر اینصورت، با استفاده از اتحادیه‌هایشان به چانه‌زنی برای عقد قراردادهایی کوتاه مدت و افزایش مکرر مرزهای اسمی خود بپردازد. طبقات میانی و بالا حتی از این نیز بهتر قادر به تاب آوردن تورم بالا هستند. بسیاری از آنها دارای پس‌اندازهای

1. Arrighi

2. Saul

3. Wood

4. Carvalho

5. Mortley

به شکل ملک، ارز و حساب بانکی اند و به هیچ وجه وسایل و امکانات سرمایه گذاری ای که به طبقات میانی و بالا امکان بهره برداری و استفاده از تورم بالا بدهد کم نیست. (۳) به طور مشخص در کشورهای بسیار فقیری که حکومت های ... و اقتدارگرا دارند، کارگران عضو اتحادیه های کارگری بخشی از یک ائتلاف شهری را تشکیل می دهند که در رابطه با بالا رفتن ارزش پول تعیین و سقف قیمت مواد غذایی که هر دو آنها می تواند برای تولیدکنندگان ضعیف و ورشکسته روستایی زیان بمراتب بیشتری داشته باشد، اعمال فشار می کنند. ("لیپتون" ۱، ۱۹۷۷، "بیتز" ۲، ۱۹۸۱، "لوفچی" ۳، ۱۹۸۹، مجله مطالعات اقتصادی ۱۹۹۳)

حقیقت، شرایط و پژوهش تجربی

به این ترتیب، فرضیات موجه و معقولی می توان ارائه داد مبنی بر اینکه قدرت اتحادیه های کارگری هم می تواند به رشد اقتصادی کمک کند و هم بر سر راه آن مانع ایجاد نماید، و در نتیجه، نابرابری و فقر را هم کاهش و هم افزایش دهد. این که تمام فرضیات یک طرف صحیح بوده و تمام فرضیات طرف دیگر غلط، نامتحمّل است بر عکس، هر فرضیه ای که یک پژوهشگر منطقی از یک نظریه موجه استنتاج می کند، احتمالاً صحیح است و یا لااقل در برخی از شرایط صحیح است. وظیفه تحقیق تجربی این نیست که تعیین کند کدام فرضیات صحیح اند و کدام فرضیات غلط، بلکه وظیفه آن صرفاً این است که مشخص کند یک فرضیه تا چه حد، در چه حالت و در چه شرایطی صحّت دارد. (مک گوایر ۸۹ و ۱۹۸۳). درک این نکته که تمام فرضیات در رابطه با تأثیر قدرت اتحادیه کارگری، از جمله فرضیاتی که با یکدیگر در تعارض اند، احتمالاً و لااقل در برخی از شرایط صحّت دارند، به این معنا نیست که ادعا کنیم تأثیر قدرت اتحادیه های کارگری بر روی رشد و توزیع درآمد، تأثیری خنثی است. در واقع اگر برآیند کارکرد تأثیرات مثبت و منفی اتحادیه های کارگری صفر می بود پدیده ای قابل توجه بود. بقیه این مقاله، با استفاده از تحلیل های کمی خواهد کوشید تا در باید برآیند این تأثیرات چیست. دانستن این نکته به ما کمک خواهد کرد تا تشخیص دهیم کدامیک از تأثیرات مختلف قدرت جنبش کارگری بر توسعه انسانی در ۱۶ کشور شرق آسیا و آمریکای لاتین که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته اند با قوت بیشتری عمل می کنند.

درآمدها، توانایی‌ها و اقدامات توسعه‌ای

معیارهای سستی و متعارف برای سنجش عملکرد توسعه عبارتند از رشد اقتصادی سرانه، یکنواختی در توزیع درآمد، و نسبت کسانی که در فقر به سر می‌برند در قیاس با کل جمعیت. این معیارها، همه با درآمد و بویژه با درآمد فقرا مرتبط‌اند. اما کارکرد درآمد، دادن امکان برای خرید کالاها و خدمات است که به نوبه خود این کالاها و خدمات در یک توسعه اساسی‌تر باید به حداکثر برسند. این چیزی جز گسترش توانایی‌های انسان یا به عبارت دیگر توانایی ما برای آنکه مطابق میل و انتخاب‌مان زندگی کنیم. (سن^۱، نشریه UNDP سال ۱۹۹۷). کمبود درآمد و به تبع آن دشواری دستیابی به کالاها و خدمات، توانایی‌ها را معمولاً محدود می‌کند، اما جنگ، از هم پاشیدگی اجتماعی، سرکوب و انسداد سیاسی، تعصب جنسی، تبعیض نژادی: بی‌سوادی و بسیاری مصائب دیگر نیز همین تأثیر را بار می‌آورند و باعث محدودسازی قابلیت‌ها و توانایی‌ها می‌شود. در ارزیابی عملکرد توسعه، باید شاخص‌های مرتبط با درآمد را به حساب آورد، اما عمده‌ترین تأثیرات آنها بر توسعه انسانی عبارتست از کاستن یا افزایش دامنه انتخاب‌هایی که پیش روی شخص قرار دارد. این بررسی، رشد و توزیع برابر درآمد را به مثابه اهداف عمده توسعه می‌داند. اما بیش از آن، بر روی کاهش میزان مرگ و میر زود هنگام تأکید دارد. برای اینکه شخص بتواند زندگی‌ای را که مطابق میل اوست انتخاب کند و بگذراند؛ ابتدا باید بتواند زنده بماند. درآمد مکفی به گسترش توانایی‌های کمک می‌کند، اما اجتناب و جلوگیری از مرگ و میر زود هنگام غیرقابل صرف نظر است. رشد سرانه درآمد که بطور سستی رقمی برای ارزیابی عملکرد اقتصادی است و در مفهوم وسیع خود به عنوان «روندی برای گسترش دامنه انتخاب انسانها» (نشریه UNDP، ۱۹۹۶:۴۹) تعریف می‌شود، چنانچه به تنهایی در نظر گرفته می‌شود، برای توسعه انسانی شاخص ضعیفی است. رشد درآمد سرانه در خصوص توزیع درآمد چیزی نمی‌گوید و صرفاً به کار ارزیابی میزان امکانات عمومی جامعه می‌آید و مثلاً می‌تواند مشخص کند که شهروندان تا چه حد می‌توانند به امکاناتی از قبیل مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی، تحصیلات، غذا، مسکن و سایر تسهیلات و امکانات لازم برای زندگی مناسب دست یابند

بدون آنکه لازم باشد درآمد شخصی‌شان را صرف آنها کنند. ("درز" ۱ و "سن" ۲)؛ ۱۹۸۰: ۱۹۸۹). با وجود این، نباید برای افزایش در ثروت کل جامعه اهمیتی کمتر از آنچه که وارد قائل شد. رشد با توزیع عادلانه درآمد سازگار است. این چیزی است که کشورهای جدیداً در حال صنعتی شدن شرق آسیا نیز آنرا ثابت می‌کنند. این رشد برای حفظ، بهبود و گسترش هر برنامه‌ای که بخواهد در جهت فراهم ساختن امکانات عمومی برای مردم حرکت کند حیاتی است. در این بررسی، شاخص رشد عبارتست از مضرپی که با آن، سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال ۱۹۹۰ از سرانه تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۶۰ به دلاری که نرخ برابری آن با توجه به تورم و برابری قدرت خرید تعدیل شده است، افزایش می‌یابد. (رجوع کنید به ضمیمه ۱).

توضیح درآمد، شاخص تکمیلی عمده‌ای برای توسعه انسانی است. توزیع درآمد، به تنهایی بیش از شاخص درآمد سرانه، در ارزیابی توسعه به ما کمک نمی‌کند. چنانچه سطح درآمدها به شدت پائین باشد، توزیع عادلانه درآمد باز هم به مفهوم توانایی‌های بسیار پائین بخش عمده جمعیت است، یعنی همان چیزی که در بنگلادش شاهد آنیم. این کشور یکی از یکنواخت‌ترین توزیع درآمدها را در جهان داراست. اما چنانچه این دو عامل را با هم در نظر بگیریم، درآمد سرانه و توزیع درآمد اطلاعات مهمی در خصوص موفقیت و دستاوردهای توسعه‌ای یک کشور به ما خواهند داد، گرچه باز هم آنها چندان اطلاعات و دید مستقیمی در مورد میزان یا کیفیت خدمات عمومی نخواهند داد و آنچه که در بازه گسترش توانایی‌های مردم به ما می‌دهند از آن نیز کمتر است. عددی که در این تحقیق برای نابرابری درآمد مورد استفاده قرار می‌گیرد، شاخص جینی^۳ برای توزیع درآمد خانوار است که از صفر (وقتی که تمام خانوارها درآمدی برابر دارند) تا ۱۰۰ (حالتی که ثروتمندترین خانوار صاحب تمام درآمد است و سایر خانوارها درآمدی ندارند) دامنه دارد. بنابراین، هر چه رقم جینی بالاتر باشد نشان دهنده توزیع نابرابرتر خواهد بود. شاخص جینی کل قشرهای صاحب درآمد را به حساب می‌آورد، حال آنکه سایر ارقامی که وسیعاً نیز برای نابرابری درآمد مورد استفاده قرار می‌گیرند، نظیر نسبت مهم درآمد ثروتمندترین اقلشار به ۲۰٪ از خانوارهایی که کمترین درآمد را در کشور دارند، تنها بخشی از این اقلشار صاحب درآمد را در نظر می‌گیرند. شاخص

جینی مورد استفاده در این تحقیق، عبارتست از میانگین شاخص‌های جینی بدست آمده از بررسی توزیع درآمد ملی در چندین کشور که "دیننجر"^۱ و اسکوایر^۲ بررسی‌های مزبور را "با کیفیت عالی" توصیف کرده‌اند. در بیشتر کشورها، دامنه تحقیق تنها دو دهه از این سه دهه را در برمی‌گیرد. در برخی دیگر نیز داده‌های تحقیق مربوط به اوایل دهه ۱۹۹۰ است، و در مورد مکزیک، داده‌ها فقط به سال ۱۹۵۰ مربوط می‌شوند. بنابراین، نتیجه‌ای که شرح داده می‌شود، عبارتست از میانگین سطح توزیع درآمد یک کشور در خلال دوره‌ای که حدود ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ را در برمی‌گیرد.

شاخص‌های معروف مرگ و میر زود هنگام که وسیعاً مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از امید به زندگی در بدو تولد و میزان مرگ و میر نوزادان. (به عبارت دیگر میزان مرگ در ۳۶۵ روز اول حیات در یک‌هزار نوزاد زنده دنیا آمده). این شاخص‌ها بیشتر مستقیماً تندرستی و کارکرد درست را می‌سنجد تا توانایی یا آزادی برای رفاه و سالم زندگی کردن را با وجود این، شاخص‌های مرگ زود هنگام، برای نشان دادن این که برخی از توانایی‌های اولیه، نظیر تغذیه شدن به میزان کافی و مورد مراقبت قرار گرفتن در هنگام بیماری تا چه حد در سراسر جامعه گسترش یافته‌اند، ملاک‌های خوبی هستند. این شاخص‌ها همچنین میزان ثبات و گستردگی برخی از کارکردها را نظیر بقای جسمانی که حصول آنها برای استفاده از هر توانایی‌ای لازم است نشان می‌دهند. از اینرو، حتی اگر نه کارکردها، بلکه توانایی‌ها را به عنوان آنچه که باید برای توسعه به حداکثر رسانده شود در نظر بگیریم (سن ۱۹۹۳): باز هم امید به زندگی و میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان محور سنجش کارکرد توسعه خواهد بود. این دو عامل، یعنی امید به زندگی و میزان مرگ و میر کودکان به ما امکان می‌دهند تا بقاء را که شرط لازم برای به فعلیت رساندن هر توانایی‌ای است مستقیماً مورد نظر قرار دهیم، و اطلاعاتی غیرمستقیم در خصوص اینکه یک جامعه تا چه حد پاسخگویی نیازهای اولیه‌ای نظیر تغذیه، مراقبت‌های بهداشتی، مسکن، تحصیلات و بهداشت است، در اختیار ما قرار می‌دهند. ناتوانی یک جامعه در پاسخگویی به این نیازها نه تنها میزان مرگ و میر زودرس را بالایی برد، بلکه توانایی‌های آنها را نیز که زنده می‌ماند محدود می‌سازد. علاوه بر اندازه‌گیری و سنجش میزان مرگ و میر زودرس در یک مقطع زمانی

مشخص، یک بررسی و سنجش توسعه باید پیشرفتی را نیز که یک کشور در یک محدوده زمانی مشخص در زمینه کاهش میزان مرگ و میر زودرس از خودشان داده است، به حساب آورد. (همچنین رجوع شود به "مک‌گوایر" و "کامپوس" ۱۴-۱۳: ۱۹۹۷). برای دریافتن برخی از مسائلی که در زمینه اندازه‌گیری میزان پیشرفت در کاهش میزان مرگ و میر زودرس وجود دارد، بیائید مورد مرگ و میر کودکان را در نظر بگیریم. در مورد شاخص امید به زندگی نیز ملاحظات مشابهی وجود دارد. قدر مطلق عددی که پائین آمدن میزان مرگ و میر را در کودکان در فاصله سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۶ نشان می‌دهد، اطلاعات مهمی را در خصوص تعداد زندگی‌هایی که ما می‌دهد که در هر مرحله از جمعیت نجات و امکان بقا یافته است، اما در رابطه با سیاست و خط مشی چندان ما را راهنمایی نمی‌کند، چرا که کشورهایی را که از سطح بالایی از مرگ و میر کودکان شروع کرده‌اند ممتاز می‌کند، زیرا این کشورها میزان پائین آمدن مرگ و میر کودکانشان با توجه به رقم اولیه آن زیاد است. طبق شاخص کاهش مطلق، پرو که سطح مرگ و میر کودکان آن از ۱۴۲ در هزار به ۴۵ در هزار رسید، در میان ۱۶ کشوری که کاهش میزان مرگ و میر کودکانشان در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۶ مورد بررسی قرار گرفته است، "بهترین" محسوب می‌شود. "بدترین" کشور با این معیار، تایوان است که میزان مرگ و میر کودکان آن در ابتدای دوره ۳۲ بود و بعد تا حد ۷ در هزار پائین آمد. اما تایوان را با توجه به نقطه‌ای که از آن شروع کرده است نمی‌توان شمامت کرد و مورد انتقاد قرار داد که چرا مثل پرو ۹۷ نفر از تعداد مرگ و میر کودکانشان کاسته نشده است. علاوه بر این، گرچه پرو در کاهش میزان مرگ و میر کودکان بر حسب عدد مطلق اما عملکردی بهتر از تایوان نشان می‌دهد، عملکرد تایوان از حیث درصد بهتر از پرو است، زیرا این کشور در مقایسه با پرو که درصد میزان کاهش مرگ و میر کودکانش ۶۸٪ است، دارای ۷۸٪ کاهش می‌باشد. این کاهش درصد یا شاخص "کاهش کسری" که عبارتست از نسبت "فاصله" ای که یک کشور از سطح مرگ و میر کودکان خود در سال ۱۹۶۰ (صرف نظر از اینکه این میزان چقدر بوده) در راستای رساندن این رقم از حیث نظری به صفر طی کرده است به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\frac{\text{میزان مرگ و میر اطفال در سال ۱۹۹۶} - \text{میزان مرگ و میر اطفال در سال ۱۹۶۰}}{\text{میزان مرگ و میر اطفال در سال ۱۹۶۰}}$$

۰ - میزان مرگ و میر اطفال در فاصله سال ۱۹۶۰

شاخص کاهش درصد، امتیاز بیشتر را برای کشورهای تأمل می‌شود که در پایان تعداد مرگ و میر کودکانشان پائین تر است و نه برای کشورهای که در شروع دوره از رقم بالایی از مرگ و میر کودکان آغاز کرده‌اند. این شاخص نسبت به حداقل دقیقی که از نظر تئوریک تعیین شده است حساس است (مک‌گوایر ۱۹۹۸)، اما شاخصی است که از هر شاخص دیگری مورد پذیرش بیشتری قرار گرفته و برای تعیین کاهش میزان مرگ و میر زودرس کودکان محاسبه آن سهل تر است. (۵) به این ترتیب، این مقاله، موفقیت در بهبود عامل امید به زندگی را به عنوان نسبت مسافتی که یک کشور از حیث امید به زندگی از سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۹۳ طی کرده است تعریف می‌کند و حداکثر عددی را هم که برای امید به زندگی معرفی می‌کند، از نظر تئوریک ۸۵ است. تعریفی که این مقاله برای موفقیت یک کشور در زمینه بقای کودکان خود ارائه می‌دهد، عبارتست از فاصله‌ای که این کشور از سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۹۶ در رابطه با نرخ مرگ و میر کودکان پیموده است و مقدار حداکثر را؛ از حیث نظری ۰ در هزار می‌داند.

قدرت جنبش کارگری

جنبش‌های ملی کارگری می‌توانند در قیاس با کارفرمایان، قوی یا ضعیف باشند (و باعث شوند که مثلاً سهم تولید ناخالص ملی‌ای که به دستمزدها اختصاص می‌یابد به زیان سود کارفرمایان بیشتر شود). این قوت یا ضعف در قیاس با عوامل دیگری نیز مفهوم می‌یابد؛ مثلاً در مقایسه با دولت (که باعث می‌شود بر خط مشی عمومی، قانونگذاری، ثبات سیاسی، و نوع رژیم تأثیر بگذارد)، یا اجزاء سازنده و تشکیل‌دهنده خود جنبش (که با اغلب تشکیلات اتحادیه‌ای محدودتر و نیز اعضای منفرد اتحادیه را شامل می‌شود) و یا برخی احزاب سیاسی معین یا رهبران دارای قدرت معنوی و جاذبه. اما در عمل، اکثر بررسی‌هایی که با جنبه‌ای از قدرت جنبش کارگری سر و کار دارند، بعد از آنکه اجباراً این واقعیت را پذیرفتند که "قدرت نسبی است"، آنرا بر حسب تراکم (نسبت نیروی کارگر متشکل شده در اتحادیه‌ها) و تمرکز مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار می‌دهند بدون آنکه اشاره‌ای به قدرت سایر عوامل، مثلاً کارفرمایان یا دولت داشته باشند. (والنزولا^۱ ۱۹۸۹ و ۱۹۹۴). اینگونه بررسی‌ها گرچه به

عنوان نمونه‌های ایده‌آل خالی از فایده نیستند، اما چندان نمی‌توان از آنها بهره‌ عملی گرفت. برای سنجش قدرت جنبش‌های ملی کارگری در ۱۶ کشور شرق آسیا و آمریکای لاتین، با استفاده از اطلاعات بدست آمده از سازمان جهانی کار (۱۹۹۷)، یک شاخص قدرت نیروی کار ابداع نمودم شاخص یا ضریب قدرت نیروی کار دارای چهار بُعد است: (۱) اعضای اتحادیه به عنوان بخشی از نیروی کار شاغل در عرضه غیرکشاورزی. (۲) نسبت کارگران بخش رسمی که تحت پوشش قراردادهای جمعی قرار دارند. (۳) سطح غالب چانه‌زنی‌های جمعی (ملّی/بخشی، شرکت/کارخانه، یا هر دو) و (۴) تعداد کنوانسیون‌های اصلی سازمان جهانی کار که مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

جدول ۱، این اطلاعات آماری را برای ۱۶ کشور مورد مطالعه نشان می‌دهد.

اولین بُعد شاخص قدرت جنبش کارگری عبارتست از ترک اتحادیه یا عضویت در اتحادیه نسبت به جمعیت کل که در این حالت نیروی کار شاغل در بخش‌های غیرکشاورزی در سال ۱۹۹۵ است. (۶) تراکم اتحادیه‌ای، در تعیین قدرت اتحادیه‌ها چه در عرصه سیاسی و چه در بازار، عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای محسوب می‌شود. ("والرشیتن" ۲۰۱۱-۴۸۱:۱۹۸۹). تراکم بیشتر کارگران در اتحادیه‌ها، به آنها امکان ظرفیت مداخله بیشتر در امر اقتصاد، آزادی بیشتر از قید موانع تجزیه‌کننده موجود بر سرراه اقدام جمعی، منابع مالی بیشتر برای شرکت در مبارزات انتخاباتی و اعمال فشار، و قدرت و توان بیشتر برای امتیازگیری از سیاست‌گزاران دولت می‌دهد. ("هیکس" ۲ و "سوانک" ۳ ۹۰-۸۹-۱۹۸۴).

بُعد دوم شاخص قدرت نیروی کار عبارت است از میزان تحت پوشش قراردادهای جمعی بودن؛ یا به عبارت دیگر، نسبت کارگران شاغل در بخش رسمی که در حدود سال ۱۹۹۵ تحت پوشش قراردادهایی که به صورت جمعی بسته می‌شود قرار دارند. میزان پوشش و شمول قراردادهای جمعی اغلب با تراکم اتحادیه‌ای، شاخص قدرت نیروی کار، تصویری کامل‌تر از وضعیت سیاسی و اقتصادی جنبش کارگری به ما می‌دهد، تصویری که هیچ شاخص دیگری، چه میزان شمول قراردادهای جمعی و چه تراکم اتحادیه‌ای، به تنهایی قادر به دادن آن نیست.

بُعد سوم شاخص قدرت نیروی کار، سطح غالب چانه‌زنی (ملّی/بخشی یا

شرکتی/کارخانه‌ای، هر دو). کار بر روی اتحادیه‌ها در کشورهای صنعتی، جنبه‌های مختلف تمرکز، چانه‌زنی جمعی، ساختار سازمانی اتحادیه‌ها و وابستگی سیاسی اتحادیه‌ها را به عنوان شاخص‌های اصلی قدرت جنبش کارگری شناخته است. (استیفنز^۱، کورپی^۲ ۱۹۸۳، کامرون^۳ ۱۹۸۴، والرشتین، گلدن^۴ و لانژ^۵ ۱۹۹۷). در شرایطی که اطلاعات جنبش کارگری، محدود به تمرکز چانه‌زنی جمعی است.

چهارمین بُعد شاخص قدرت نیروی کار عبارتست از تعداد کنوانسیون‌های اصلی سازمان جهانی که مورد تأیید قرار گرفته است (از میان ۶ کنوانسیون که از سوی سازمان مزبور مشخصاً به عنوان کنوانسیون‌های حائز اهمیت معرفی شده‌اند). گرچه تعداد کنوانسیون‌های تأیید شده سازمان جهانی کار، شاخصی نیست که مستقیماً بتوان قدرت جنبش کارگری را از روی آن سنجید، اما این شاخص اطلاعاتی را در خصوص موانع عملی و حقوقی‌ای که اتحادیه‌ها به هنگام اعمال نفوذ اقتصادی و سیاسی خود با آنها مواجه‌اند در اختیار ما قرار می‌دهد. بانوری^۶ و آمادئو^۷ نیز در سنجش خود از قدرت جنبش کارگری در آسیا و آمریکای لاتین، چارچوب قانون، بویژه قوانین مرتبط با تعطیل کارگاهها و حق اعتصاب را به حساب آورده‌اند.

نخستین گام در ترکیب و ادغام این چهار شاخص قدرت نیروی کار در یک شاخص کلی، بیان کمی دو شاخص کیفی بود. کشورهایی که در آنها چانه‌زنی جمعی بیش از سایرین چه در سطح ملی و چه در حد یک بخش صورت می‌گرفت بابت شاخص سطح چانه‌زنی خود ۳ امتیاز گرفتند. به کشورهایی که سطح چانه‌زنی غالب آنها در حد شرکت/کارخانه بود ۱ امتیاز داده شد. و آنهایی که چانه‌زنی در آنها در هر دو سطح با درج اهمیتی تقریباً برابر صورت می‌گرفت در حد ۲ امتیاز به آنها داده شد. در مرحله بعد، تعداد کنوانسیون‌های سازمان جهانی کار (از ۶ کنوانسیون) که هر کشور مورد تأیید قرار داده بود به رقم قبل اضافه شد و متناظر با آن به هر کشور ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و یا ۶ امتیاز داده شد. شماری از کشورها که خانه ستون آخر جدول ۱ آنها خالی است، احتمالاً از این قسمت صفر گرفته‌اند، اما نشریه سازمان جهانی کار، اطلاعات مورد نیاز برای دادن امتیاز بیشتر را در اختیار قرار نداده است. تراکم

1. Stephens

2. Korpi

3. Cameron

4. Golden

5. Lange

6. Banvri

7. Amadeo

اتحادیه‌ای، قرار داشتن تحت پوشش قرار داد، سطح چانه‌زنی‌ای که بصورت کمی بیان شده باشد و نیز نمایش کمی و عددی کنوانسیونهای تأثیر شده، بترتیب به عنوان شاخص در سطح ۹۳ موردی که سازمان جهانی کار آمار تراکم اتحادیه‌ای آنها را برای سال ۱۹۹۵ داده بود به صورت استاندارد درآوردند. امتیاز یک کشور در رابطه با شاخص قدرت نیروی کار، عبارتست از میانگین چهار امتیازی که برای چهار بعد یاد شد به آن داده شده است. این امتیاز برای ۲۳ کشوری که مورد بررسی قرار گرفتند، دامنه‌ای بین ۱/۸۴ (مربوط به سوئد) تا ۱/۳۴ - (مربوط به موریتانی) داشت.

محاسبه شاخص قدرت نیروی کار برای ۹۳ کشوری صورت گرفت که سازمان جهانی کار اطلاعاتی را در مورد تراکم اتحادیه‌ای آنها در سال ۱۹۹۵ بدست داده بود. (مک‌گوایر ۱۹۹۸). روند استانداردسازی: میانگین امتیاز مربوط به هر یک از چهار بُعد را صفر قرار داد، بنابراین کشورهایهایی که در رابطه با تراکم اتحادیه‌ای شان اطلاعاتی داده شده بود، اما در خصوص تأیید کنوانسیون (۱۲)، سطح چانه‌زنی (۳۳) و یا قرار داشتن تحت پوشش قرارداد آنها (۴۹) اطلاعاتی در دست نبود، در مورد همان شاخص، امتیاز صفر (که میانگین امتیاز بود) گرفتند. این شیوه، اندکی تقریبی و باصطلاح سردستی است، اما از داده‌های موجود استفاده می‌کند. اگر بپذیریم که استفاده از روش‌های محاسبه شاخص‌های فرعی و ترکیب و ادغام این شاخص‌ها در شاخص قدرت نیروی کار باعث ایجاد «اختلال» در رقم ضریب مزبور می‌شد، پس تأثیر قدرت نیروی کار بر توسعه انسانی در ۱۶ کشور مورد مطالعه احتمالاً حتی بیش از تأثیر بسیار قابل توجهی است که از ضریب موجود نتیجه می‌شود.

روش و نتایج

از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی چندگانه، برای آزمایش تأثیر آماری ضریب قدرت نیروی کار بر ۶ نتیجه و حاصل توسعه انسانی استفاده شد. این ۶ حاصل عبارت بودند از رشد، توزیع درآمد، میزان مرگ و میر کودکان در سال ۱۹۹۶، امید به زندگی در سال ۱۹۹۳، کاهش میزان مرگ و میر کودکان از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۶، و افزایش میزان امید به زندگی از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۳. همانطور که شکل ۱ نشان می‌دهد، بدون آنکه از نمونه شاهدی استفاده شده باشد، معلوم می‌شود که قدرت نیروی کار با عملکرد ضعیف‌تر ۵ مورد از ۶ نتیجه یاد شده رابطه دارد. (یعنی در واقع بر همه آنها به اشتباه میزان امید به زندگی در

سال ۱۹۹۳ تأثیر داشته است). از رگرسیون چندگانه استفاده شد تا مشخص شود آیا زمانی هم که سایر متغیرها کنترل می‌شوند باز هم این همبستگی و رابطه وجود دارد یا خیر. متغیرهای کنترل با جستجوی اطلاعات برای یافتن دوسه عامل که بنظر می‌رسید بر هر یک از نتایج تأثیر تعیین‌کننده دارند مورد بررسی قرار گرفتند. در مورد آنها و نیز متغیرهای مشابه، داده‌ها جمع‌آوری شد و مجموعه‌ای از مدل‌های رگرسیون برای هر یک از نتایج ساخته شد. نخستین مدل، رگرسیون خطی بود که در آن فقط از متغیرهایی که از درون متن اطلاعات استخراج شده بوده استفاده می‌شود. مدل دوم، مدل «خطی» به اضافه ضریب قدرت نیروی کار بود. مدل سوم، تشکیل می‌شد از مدل خطی، شاخص قدرت نیروی کار دو متغیر مجازی ۱-۰ یکی برای چهار «ببر» شرق آسیا و دیگری برای ۸ کشور آمریکایی لاتین (۷). مدل‌های متوالی یاد شده هر کدام در بردارنده متغیرهای خطی، شاخص قدرت نیروی کار، متغیرهای مجازی منطقه‌ای، و یک متغیر کنترل دیگری برای آمریکای لاتین^۱.

نتایج در رابطه با رشد اقتصادی

رگرسیون خطی برای پیش‌بینی رشد (جدول ۲)، به مدلی شباهت دارد که از سوی "رابرت بارو" پیشنهاد شد (۱۹۹۱). او برای پیش‌بینی تفاوت رشد در سطح ملی، از سرانه محصول ناخالص داخلی اولیه و نیز میزان ثبت نام در مدارس استفاده کرد. براساس نظریه بازده‌های نزولی نهایی، کشورهایی که در ابتدا فقیرتر بوده‌اند در مقایسه با کشورهای از ابتدا ثروتمندتر، باید با آهنگ سریع‌تری رشد کنند. زیرا ترکیب و همجوشی سرمایه و فن‌آوری می‌بایستی رشد را در کشورهایی که در ابتدا این منابع و عوامل در آنها کمیاب‌اند بیشتر تقویت کند. اما «بارو» دریافت که کشورهای غنی‌تر، سرعت رشدشان عملاً اندکی از کشورهای فقیرتر بیشتر است او در توضیح این پدیده عجیب این فرضیه را ارائه داد که برخی از کشورهای فقیرتر، سرمایه انسانی لازم را برای بهره‌برداری از سرمایه و فن‌آوری نوین ندارند. او برای آرایش صحت فرضیه خود، عواملی را به‌عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده رشد اضافه کرد که مرتبط با سرمایه انسانی اولیه بودند، (نسبت‌های ثبت نام در مدارس ابتدایی و متوسطه در سال ۱۹۶۰) مطابق با این فرضیه، تأثیر سرانه محصول ناخالص داخلی بر رشد در

مراحل بعدی، در شرایطی که نسبت‌های ثبت نام مورد کنترل قرار بگیرند، تأثیری با دامنه از کمی مثبت تا بسیار منفی خواهد داشت. (بارو ۱۹۹۱).

نتایج ارائه شده در جدول ۲، بدو با یافته‌های «بارو» مطابقت دارند. سرانه محصول ناخالص داخلی هنگامی که میانگین سالهای تحصیل در مدرسه کنترل می‌شد (مدل ۱) آهنگ رشد را به میزانی قابل توجه کند میکرد این تأثیر کندسازی، در حالتی که روی آوری به بازار آزاد (که خود اثر مثبت قابل ملاحظه‌ای بر رشد داشت) به عنوان یک عامل کاهنده اضافه شد، باز هم ادامه یافت (مدل ۲). تأثیرات شاخص قدرت نیروی کار بر رشد هر چند همواره مثبت، اما ناچیز و از نظر آماری بی‌اهمیت بودند (مدل‌های ۳ تا ۷) تأثیرات این شاخص نیروی کار، نه با افزودن متغیرهای مجازی منطقه‌ای و نه با دخالت دادن دموکراسی (مدل ۵)، نابرابری درآمد (مدل ۶)، گسترش دوران تحصیل، کاهش میزان باروری از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۶ یا نرخ باروری در سال ۱۹۶۰ (که مدل‌های آنها نشان داده نشده است). بیشتر نشد. این که کشور مورد نظر در زمره «بیر»های آسیای شرقی باشد، اثر مثبت نیرومندی بر رشد داشت و اضافه کردن متغیرهای مجازی منطقه‌ای هم سرانه محصول ناخالص داخلی و هم میزان جهت‌گیری در راستای بازار آزاد را از آستانه اهمیت آماری پائین‌تر آورد (مدل ۴).

سواى متغیر مجازى که بر وضعیت «بیر»های شرق آسیا دلالت می‌کرد. تنها یک متغیر بود که بر رشد تأثیر قوی داشت. این متغیر عبارت بود از شاخص مزرعه خانوادگی (مدل ۷) که نشاندهنده نسبتی از زمین‌های کشاورزی است که ساحت شان از میزان معینی کمتر است و در هر کشور مقدار آن فرق میکند، در فاصله سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۹ (وانهانق ۲۳۲ - ۲۱۵ و ۵۱ - ۴۷: ۱۹۹۷) کنترل شاخص مزرعه خانوادگی نشان داد که هیچکاری در رابطه با تقویت رابطه بسیار ضعیف میان شاخص قدرت نیروی کار و رشد انجام نمیدهد. اما خود شاخص مزرعه خانوادگی تأثیری بسیار زیاد و از حیث آماری قابل ملاحظه بر رشد داشت و آن را تقویت می‌کرد. اضافه کردن شاخص مزرعه خانوادگی به مدل، تأثیر یک «بیر» شرق آسیا بودن را تا حدی که از حیث آماری پائین‌تر از آستانه اهمیت بود تنزل داد و ضرایب سرانه اولیه محصول ناخالص داخلی و جهت‌گیری بازار آزاد را تا حدود صفر پائین آورد. یکی از دلایل اینکه چرا مزارع کوچک ظاهراً چنین تأثیر مثبت نیرومندی بر رشد دارند

می تواند این باشد که یکنواختی توزیع زمین، فشار بر روی سیاست‌های مربوطه به توزیع مجدد درآمد را که مانع رشد می شوند کاهش می دهد. (آلسینا^۱ و رودریک^۲ ۸۵ - ۴۷۸: ۱۹۹۴). دلیل دیگر می تواند این باشد که در کشاورزی، بر خلاف ضعف، سرمایه و کار گرایش به پراکندگی و جابجایی دارند که در مزارع بزرگ مشکلاتی را ایجاد می کند که از میان آنها می توان به تعمیر ماشین آلات در محل و نظارت نیروی کار غیر خانوادگی اشاره کرد (جانسون^۳ و روتان^۴ ۱۹۹۴).

نتایج در رابطه با نابرابری درآمد

گنجاندن سرانه محصول ناخالص داخلی در مدل‌های پیش‌بینی کننده نابرابری درآمد (جدول ۳)؛ بعد از کوزنتس^۵ (۱۹۹۵) باب شد. او این فرضیه را ارائه کرد که در شرایط پائین بودن سرانه محصول ناخالص داخلی (یعنی شرایطی که تقریباً همه مردم در فقر به سر می برند): نابرابری در حد پائینی است، در حالتی که سرانه محصول ناخالص داخلی در سطح متوسطی است (یعنی شرایطی که تقریباً همه مردم در فقر به سر می برند)، نابرابری در حد پائینی است. در حالتی که سرانه محصول ناخالص داخلی در سطح متوسطی است (یعنی شرایطی که منافع رشد عمدتاً نصیب یک بخش کوچک مدرن (نخبگان می شود). این نابرابری در حد بالایی است، و باز در حالتی که سرانه محصول ناخالص داخلی در حد بالایی است (یعنی در شرایطی که بع از رشد بخش مدرن امکان فرصت برای اقشار فریخته نیز فراهم می شود) مجدداً میزان نابرابری پائین می آید کارگرچه فرضیه فوق مورد بحث می باشد اما پژوهش‌های بسیاری نشان داده است که رابطه میان سرانه محصول ناخالص داخلی (یا سرانه مصرف انرژی) و نابرابری درآمد یا مدل کوزنتس که موسوم به مدل «یوی وارونه»^۶ است انطباق و شباهت دارد (بولن^۷ و جکمن^۸ ۱۹۸۵ و برانکو و ویلیامسون^۹ ۱۹۸۸؛ کرنشاو^{۱۰} ۱۹۹۲؛ بورکهارت^{۱۱} ۱۹۹۷) رزیک مول رگرسیون حداقل مربعات معمولی چندگانه: یک رابطه مبتنی بر فرضیه «یوی وارونه» را میان متغیری وابسته و متغیری مستقل می توان با یک

1. Alosina

2. Rodrik

3. Johnson

4. Ruttan

5. Kuzents

6. Invert - U

7. Bollen

8. Jackman

.Branco

9. Willamson

10. Crenshaw

11. Borkhardt

تبدیل لگاریتمی ۷ درجه دوم متغیر مستقل مدل سازی کرد. این تبدیل مستلزم وارد کردن دو متغیر فرعی برای سرانه محصول ناخالص داخلی است که عبارتند از: لگاریتم طبیعی سرانه محصول ناخالص داخلی و مربع لگاریتم طبیعی سرانه محصول ناخالص داخلی. در جدول ۳، به همین ترکیب تأثیر سرانه محصول ناخالص داخلی بر نابرابری درآمد، بوسیله (۱) گرفتن میانگین سرانه‌های محصول ناخالص داخلی یک کشور در بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۹۰، (۲) گرفتن لگاریتم طبیعی میانگین و گنجاندن آن در کرسیون به عنوان اولین متغیر فرعی سرانه محصول ناخالص داخلی، و (۳) مجدور کردن لگاریتم طبیعی میانگین و گنجاندن آن در رگرسیون به عنوان دوفین متغیر فرعی سرانه محصول ناخالص داخلی، مدل سازی می‌شود.

نرخ بالای باروری ملی می‌تواند نابرابری درآمدها را حداقل از سه طریق تشدید کند: اول اینکه مردم فقیر در کشورهای در حال توسعه نرخ باروری بالاتری نسبت به اقشار غیر فقیر دارند هر چه نرخ باروری کل در سطح ملی بالاتر باشد، تفاوت احتمالی بین نرخ باروری اقشار فقیر و اقشار دارند. هر چه نرخ باروری کل در سطح ملی بالاتر باشد، تفاوت احتمالی بین نرخ باروری اقشار فقیر و اقشار غیر فقیر بیشتر خواهد بود. زمانی که این اختلاف زیاد و فاحش باشد، جمعیت فقرا در قیاس با جمعیت غیر فقیر با سرعت به مراتب بیشتری رشد میکند و باعث می‌شود تا نابرابری درآمد از آنچه هست نیز بدتر شود. دوم، با گسترش عرضه نیروی کار، باروری بالا، فشاری او به پائین بر روی دستمزدها و فشاری او به بالا بر روی بیکاری و اشتغال نامکفی وارد میکند. سوم، هر چه تعداد افراد خانواده‌ای که دچار فقر و فلاکت شده است بیشتر باشد، احتمال اینکه بتواند مصرف را به نفع پس انداز، خرید اموال، یا سرمایه گذاری بر روی آموزش و پرورش تغییر دهد کمتر خواهد بود. بنابراین، نابرابری درآمد احتمالاً در کشورهایی که تعداد افراد خانواده‌های فقیرش بیشتر است، بیشتر خواهد بود و از اینرو احتمال اینکه بتواند درآمد قابل ملاحظه بیشتری از منابع دیگر بدست آورد کمتر خواهد بود. از نظر تجری مشخص شده است که جمعیت زیر سن ۱۵ سال که زیر سن باروری است، نابرابری درآمد را تشدید می‌کند. (بولن و جکسون ۱۹۸۵؛ سیپسون ۱۹۹۰؛ ویدز ۱۹۹۲؛ بورکهارت ۱۹۹۷). از اینرو، مدل‌های جدول ۳ به عنوان یک متغیر کنترل (شاهد)، میانگین نرخهای باروری سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۹۶ را شامل می‌شوند. به همین ترتیب،

جدول ۳، نتایج تجارب نابرابری را نشان می‌دهد. در رگرسیون خطی که از اطلاعات موجود بدست آمد (مدل ۸)، سرانه محصول ناخالص داخلی قابل توجه نبود، اما نرخ باروری، علامت مثبتی را که انتظار می‌رفت داشت. (نرخ بالاتر باروری همراه با یک ضریب جینی بالاتر، یعنی نابرابری بیشتر در درآمد). با افزون شاخص قدرت نیروی کار (مدل ۹)، این ضریب به صورت مثبتی درآمد (قدرت بیشتر نیروی کار با نابرابری بیشتر در درآمد همراه است) و در سطح ۸٪ اهمیت کار میداشت و واریانس مدبی را از ۰/۱۹ به ۰/۳۶ افزایش داد گرچه مدل تنها در سطح ۷٪ مهم باقی ماند. بعد از آنکه متغیرهای ۷ مجازی منطقه‌ای دخالت داده شدند، شاخص قدرت نیروی کار از آستانه اهمیت آماری که بطور متعارف ۵٪ است پائین تر آمد همچنان مثبت باقی ماند (مدلهای ۱۰ تا ۱۴) که نشان‌دهنده رابطه‌ای ضعیف اما پایدار بین قدرت بیشتر نیروی کار و نابرابری بیشتر در درآمد بود. بنظر می‌رسد که برای اهداف تحقیق حاضر، نتیجه‌گیری حاصله این باشد که قدرت نیروی کار، کمی بیش از آن اندازه که به رشد کمک می‌کند و آنرا بهبود می‌بخشد، باعث تشدید نابرابری در درآمد می‌شود، اما از حیث آماری، ربط قابل توجهی به هیچیک از دو نتیجه یاد شده ندارد.

نتایج در رابطه با مرگ و میر زودرس

این که محصول ناخالص داخلی سرانه، پیش بینی کننده قدرتمندی برای امید به زندگی و بقای کودکان محسوب می‌شود، واقعیتی است جا افتاده تثبیت شده. (مون^۱ ۱۹۹۱؛ کاکوانی^۲ ۱۹۹۳؛ پریچت^۳ سامرز^۴ ۱۹۹۶). با این وجود پیرامون مسائل مربوط به شکل کارکردی این رابطه (خطی، لگاریتمی، هیپربولیک، و غیره) و سکاینس‌های تصادفی ای که از طریق آنها ثروت کل جامعه تأثیر خود را (بوسیله جریان ثروت از بالا به پائین، کاهش فقر، تغییر در توزیع درآمد، بهبود خدمات عمومی، یا ساز و کارهای دیگر) بر روی مرگ و میر زود رس اعمال می‌کند. بحث‌ها و اختلافاتی وجود دارد. (درز^۵ و سن^۶ ۱۹۸۹؛ آناند^۷ و

1. Moon

2. Kakwani

3. Pritchett

4. Sammers

5. Drez

6. Sen

7. Anand

راوالپون^۱ ۱۹۹۳؛ ایسترلین^۲ ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸؛ چن^۳ و فنگ^۴ ۱۹۹۷). هم «مون» و هم پریچت و سامرز (۱۹۹۳)، دریافتند که مدل هایی که از لگاریتم طبیعی محصول ناخالص داخلی سرانه استفاده می کنند، در قیاس با مدل هایی که از مطلق محصول ناخالص داخلی سرانه (یعنی بصورت غیر لگاریتمی) استفاده می نمایند، در مورد واریانس سطح میزان مرگ و میر زودرس توضیحات بیشتری بماندهند. در بررسی حاضر، به همین سبب از لگاریتم طبیعی سرانه محصول ناخالص داخلی برای پیش بینی میزان مرگ و میر زود رس استفاده می شود. در مدل های پیش بینی کننده تغییرات در مرگ و میر زود رس، تبدیل لگاریتمی حذف می شود. در این مدل ها، متغیر مستغل عبارتست از رشد که به عنوان مضربی (غیر لگاریتمی) اندازه گیری می شود که با ضرب شدن در سرانه محصول ناخالص داخلی در سال ۱۹۶۰، سرانه محصول ناخالص داخلی را در سال ۱۹۹۰ به نرخ دلاری که برای حفظ برابری قدرت خرید با توجه به تورم تعدیل شده است به ما میدهد.

شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می دهد تحصیل، بخصوص تحصیل بانوان، به میزان بسیار زیادی به پائین آمدن سطح مرگ و میر در نوزادان و کودکان کمک می کند و باعث بالا رفتن امید به زندگی، بهبود و ضعیف سلامت و تغذیه، و پائین آمدن میزان باروری می شود. (کالدول^۵ ۱۹۱ - ۱۸۷: ۱۹۸۶؛ هیل^۶ و کینگ^۷ ۱۹۹۳؛ شولتز^۸ ۷۸ - ۶۸: ۱۹۹۳). آموزش مادران بدلائل فراوانی میزان مرگ و میر در کودکان را پائین می آورد. از آنجا که زنان تحصیل کرده معمولاً فرصت و امکانات اقتصادی بیشتری دارند، کمتر تمایل به این دارند که یکسره خود را وقف بزرگ کردن فرزندان کنند. زنان با تحصیلات بیشتر، اطلاعات و دانش افزون تری در خصوص تغذیه، بهداشت و سلامت دارند و تقاضایشان برای غذا و مراقبت های بهداشتی جهت فرزندانشان بیشتر است. تحصیل مردان کمتر از تحصیل زنان در کاهش میزان مرگ و میر زود رس تأثیر دارد (مورتی^۹، گیو^{۱۰} و درز^{۱۱} ۱۹۹۵؛ بهالا^{۱۱} ۲۳۸: ۱۹۹۷)، اما از آنجا که تحصیل مردان دارای تأثیری در جهت مثبت نیز هست، شاخص اصلی موفقیت تحصیلی در تمام مدل های مرگ و میر زود رس، میانگین سالهای تحصیل در کل

1. Rapallion

2. Easterlin

3. Chen

4. Feng

5. Caldwell

6. Hill

7. King

8. Schwitz

9. Murthi

10. Guio

11. Bhalla

جمعیت بالای ۲۵ سال سن است. در معادلاتی که سطح مرگ و میر زود رس را پیش بینی می‌کنند، شاخص ما به صورت لگاریتمی است، زیرا فرض بر این است که سالهای بیشتر تحصیل، منافع زمانی رو به کاهش برای امید به زندگی و بقای کودکان دارد. در معادلات پیش بینی کننده تغییرات در مرگ و میر زود رس، تبدیل لگاریتمی حذف می‌شود. و شاخص مربوطه عبارتست از اختلاف و مابه التفاوت مطلق (غیر لگاریتمی) میان میانگین سالهای تحصیل بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۸۵ (۹).

یافته‌های مربوط به سطح مرگ و میر کودکان در جدول ۴ ارائه شده است. هم سرانه محصول ناخالص داخلی و هم میانگین سالهای تحصیل قویاً با پائین بودن سطح مرگ و میر کودکان ارتباط دارند و در این رابطه مهم نیست که کدامیک از متغیرها مورد کنترل قرار می‌گیرند. شاخص قدرت نیروی کار، هنگامی که بعنوان سومین متغیر مستقل اضافه می‌شود، قویاً با بالا رفتن سطح میزان مرگ و میر کودکان همراه است، هر چند که رابطه آنها هرگز به آستانه متداول اهمیت و ضعف از نظر آماری، با اضافه کردن متغیرهای نمایی منطقه‌ای (مدل ۱۷) چندان نزدیک نمی‌شود. باروری (مدل ۱۸)، نا برابری در آمد (مدل ۱۹)، یا دموکراسی (که نشان داده نشده است) اضافه می‌شوند، ضعیف می‌شود، اما همچنان پایدار می‌ماند. سپس هنگامی که کنترل‌هایی را برای روی آوری به بازار آزاد (مدل ۲۰) که با مرگ و میر بیشتری در کودکان همراه است، و برای سابقه اجرای برنامه تأمین اجتماعی (مدل ۲۱) که با مرگ و میر کمتر در کودکان ارتباط دارد، اضافه می‌کنیم، دوباره رابطه میان قدرت نیروی کار و میزان مرگ و میر بالاتر کودکان تقویت می‌شود. در ادامه بار دیگر به تعریف و تأثیر سابقه و تجربه اجرای برنامه‌های تأمین اجتماعی خواهیم پرداخت. یافته‌های مربوط به طول عمر یا به عبارت دیگر امید به زندگی در جدول شماره ۵ داده شده‌اند. سرانه محصول ناخالص داخلی و میانگین تعداد سالهای تحصیل، ارتباط محکم و تنگاتنگی با بالاتر بودن سطح امید به زندگی دارند. (مدل ۲۲)، و این تأثیر با در نظر گرفتن مجموعه‌ای گسترده از متغیرهای کنترل همچنان با همان درجه از قدرت برجا می‌ماند. با اضافه کردن یک متغیر مستقل سوم، شاخص قدرت نیروی کار نیز با امید به زندگی یا طول عمر بیشتر همراه خواهد بود (مدل ۲۳)، اما رابطه این دو بسیار ضعیف است و با افزودن متغیرهای نمایی منطقه‌ای، علامت عوض می‌کند. (مدل ۲۴). متفی به مدل ۲۴، فقط یکی از پارامترهای نرخ باروری (مدل ۲۵)، نابرابری در آمد (مدل ۲۶) و روی آوری به بازار آزاد (مدل ۲۷) یا دموکراسی را

(که نشان داده نشده است) اضافه می‌کنیم، مشخص می‌شود که هیچکدام به تنهایی تأثیر آماری قابل توجهی بر سطح امید به زندگی ندارند و هیچیک از این فاکتورها رابطه آماری ضعیف (و با متغیرهای نمایی منطقه‌ای، متفی) میان قدرت نیروی کار و میزان طول عمر یا امید به زندگی را تغییر چندانی نمیدهند. اضافه کردن کنترلی برای سابقه برنامه تأمین اجتماعی، رابطه متفی میان شاخص قدرت نیروی کار و سطح امید به زندگی (مدل ۲۸) تقویت می‌شود، اما ضریب مربوطه کاملاً پائین تر از آستانه اهمیت آماری متعارف باقی می‌ماند.

سواى سرانه محصول ناخالص داخلی، میانگین تعداد سالهای تحصیل، و متغیرهای نمایی، متغیر کنترلی که شدیدتر از همه مدل‌های جداول ۴ و ۵ را تحت تأثیر قرار داد، سابقه برنامه تأمین اجتماعی بود. این شاخص، برای هر کشور تعداد سالهایی را بین ۱۹۳۴ و ۱۹۷۳ می‌سنجد که در آنها هر یک از برنامه‌های تأمین اجتماعی پنجگانه‌ای که عبارت اند از (۱) پرداخت غرامت برای آسیب‌های حین کار؛ (۲) تأمین در مدت بیماری و دوران بارداری؛ (۳) ذخایری برای افراد مسن، تنها و یا فوت شده؛ (۴) کمک هزینه عائله‌مندی؛ (۵) بیمه بیکاری، اجرای شده‌اند. با در نظر گرفتن یک دوره چهار ساله و ۵ حوزه تأمین اجتماعی، حداکثر امتیاز احتمالی که یک کشور می‌توانست کسب کند، ۲۰۰ بود. (رجوع شود به ضمیمه ۸). در جدول‌های ۴ و ۵، در حالتی که سایر متغیرهای مربوطه کنترل می‌شد، سابقه اجرای برنامه تأمین اجتماعی هرگز به سطح اهمیت آماری متعارف نرسید. (مدل‌های ۲۱ و ۲۸)، اما تأثیرات آن قوی‌تر از اکثر متغیرهای متعدد و مربوطه دیگر بود و همانطور که انتظار می‌رفت، در جهت بالا بردن طول عمر (امید به زندگی) و کاهش میزان مرگ و میر کودکان عمل میکرد. از آنجا که سابقه برنامه تأمین اجتماعی رابطه‌ای مثبت و کاملاً قوی با شاخص قدرت نیروی کار در ۱۶ کشور دارد (ضریب پیرسون $r = 0.63$)، قابل توجه است که با گنجاندن در همان مدل، مشخص می‌شود که سابقه برنامه تأمین اجتماعی با طول عمر بیشتر و مرگ و میر کمتر ارتباط دارد، حال آنکه شاخص قدرت نیروی کار با طول عمر کوتاهتر و میزان مرگ و میر بالاتر مرتبط است. تعمیم بر اساس ۱۶ مورد، کاری است مستلزم ریسک و خطرناک، اما این یافته‌ها با نظراتی که می‌گویند سیاست‌های رفاهی‌ای که دولت‌ها در جهت منافع گروههای شهری سازمان یافته و متشکل اتخاذ می‌کنند، فقرا و تهیدستان را دور می‌زند انطباق دارد.

(میسا - لاگو^۱ ۱۹۸۳).

جدول ۶، با روی آوری از میزان مرگ و میر زود رس به تغییرات در مرگ و میر زود رس، نشان می‌دهد که رشد سرانه محصول ناخالص داخلی در ابتداء تأثیری سود بخش و قوی بر کاهش میزان مرگ و میر کودکان داشت (مدل‌های ۲۹ و ۳۰) که این تأثیر با افزودن متغیرهای نمایشی منطقه‌ای تا حدودی تضعیف شد (مدل‌های ۳۱ تا ۳۵). افزایش میانگین تعداد سالهای تحصیل، از حیث آماری هیچگونه تأثیر قابل توجهی در کاهش میزان مرگ و میر کودکان نداشت، و اگر هم در مواردی تأثیر محدودی داشت، این تأثیر در جهت دور از انتظار کند سازی روند کاهش میزان مرگ و میر در کودکان بود. شاخص قدرت نیروی کار با کاهش کندتر میزان مرگ و میر کودکان نیز ارتباط داشت. این ارتباط، به هنگامی که این شاخص به تنهایی به مدل خط مبنی (مدل ۳۰) اضافه می‌شد نسبتاً ضعیف بود، اما با اضافه کردن متغیرهای مجازی، این رابطه قوی‌تر شد. (مدل ۳۱). با کنترل فاکتور رشد سرانه محصول ناخالص داخلی، افزایش در تعداد سالهای تحصیل، و منطقه، رابطه میان شاخص قدرت نیروی کار و کاهش کندتر میزان مرگ و میر در کودکان، هنگامی که کنترلی برای شاخص مزرعه خانوادگی اعمال شد. میزان اهمیت در حد ۵٪ داشت (مدل ۳۴)، زمانی که کنترل برای تغییرات در نرخ باروری (مدل ۳۲) سابقه برنامه تأمین اجتماعی (مدل ۳۲)، و دموکراسی (که نشان داده نشده است) اعمال شد، در حد ۰/۱۰ بود. بطور خلاصه، بعد از اضافه شدن متغیرهای مجازی، شاخص قدرت نیروی کار در مقایسه با هر یک از متغیرهای کنترل به جز رشد سرانه محصول ناخالص داخلی، تأثیر آماری قوی‌تری بر کاهش میزان مرگ و میر کودکان داشت، و تأثیر آن، گرچه گاه اندکی پائین‌تر از سطح اهمیت آماری ۵٪ بود، اما همواره منفی، یا بعبارت دیگر در جهت کند کردن روند کاهش میزان مرگ و میر کودکان بود و نه در راستای تسریع آن.

در مدل‌های پیش‌بینی کننده طول عمر یا امید به زندگی (جدول ۷)، بعد از اضافه شدن متغیرهای مجازی متغیرهای خط مبنا یا فاقد اهمیت بودند (رشد سرانه محصول ناخالص داخلی) یا علامت «غلط» داشتند. (افزایش در میانگین سالهای تحصیل). متغیرهای مجازی برای «بهره‌های شرق آسیا، تأثیری قوی و مثبت بر افزایش طول عمر در برخی از مدل‌ها

داشت، اما تأثیر شاخص قدرت نیروی کار که قطع نظر از اینکه کدام متغیرها مورد کنترل قرار می‌گرفتند (از جمله دموکراسی و روی آوری به بازار آزاد که نشان داده نشده است). از آن نیز قوی‌تر و پایدارتر بود. رابطه میان قدرت نیروی کار و عدد طول عمر کاملاً منفی و بمراتب قوی‌تر از رابطه میان هر متغیر دیگری با عدد طول عمر بود.

نتیجه‌گیری

قدرت نیروی کار در ۱۶ کشور آسیای شرقی و آمریکای لاتین که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند: تأثیر مثبت و وضعی بر رشد؛ تأثیری منفی و وضعی بر یکنواختی توزیع درآمد، میزان مرگ و میر کودکان و سطح امید به زندگی یا طول عمر؛ و تأثیر منفی نیرومندی بر کاهش میزان مرگ و میر کودکان و افزایش طول عمر داشت. به این ترتیب، در مجموع قدرت نیروی کار دارای تأثیری منفی بر توسعه انسانی، و بویژه جنبه‌هایی از توسعه انسانی بود که با رفاه و سلامت اقشار فقیر ارتباطی بلا واسطه داشتند. در شرایطی که فقط ۱۶ کشور مورد بررسی قرار گرفته است، عدم کنترل در رابطه با علیت متقابل احتمالی (یا رابطه علت و معلولی متقابل)، احتمالی حذف متغیرهای مستقل و تنفر ارقام مربوط به قدرت نیروی کار و نتایج توسعه انسانی، عاقلانه نیست که این یافته‌ها را به تمام کشورهای در حال توسعه تعلیم دهیم، و تعلیم آنها به کشورهای ثروتمند، از این نیز غیر عاقلانه‌تر است. اما، یافته‌های مزبور، بنحوی کاملاً روشن نشان می‌دهند که چگونه طیف وسیعی از نیروهای علی، خود ۱۶ کشور مورد اشاره را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

قدرت جنبش کارگری در ۱۶ کشور شرق آسیا و آمریکای لاتین از دو طریق می‌تواند قابلیت‌های مربوط به بقاء را تحت تأثیر قرار دهد: با کند کردن آهنگ رشد، با کانالیزه کردن درآمد خصوصی به طرف کارگران متشکل در اتحادیه‌ها و سایر کارگران، در حالیکه این درآمد می‌توانست به اقشار بسیار فقیر تخصیص پیدا کند، یا با سرازیر شدن کالاها و خدمات ارائه شده از سوی دولت به طرف کارگران عضو اتحادیه‌ها و سایر کارگران در حالیکه می‌توانست نصیب اقشار فقیر شود. قدرت نیروی کار تأثیر آماری ناچیزی بر رشد داشت و این تأثیر، در عین ناچیزی، مثبت بود. بنابراین یافته‌های ارائه شده در این مقاله با این نظر مطابقت دارد که جنبش‌های نیرومند کارگری عمدتاً با کند کردن آهنگ رشد، بر سر راه کاهش میزان مرگ و میر زود رس مانع ایجاد کرده‌اند.

گرچه قدرت جنبش کارگری تأثیر آماری قابل اغماضی نیز بر شاخص جینی داشت، تفیز دوم که عبارت بود از تغییر جهت درآمدهای خصوصی عدم تعلق آنها به اقشار بسیار فقیر، همچنان ممکن جلوه میکند.

اتحادیه‌های قدرتمند کاملاً قادراند درآمدها را هم به زیان افراد بالای جامعه و هم به زیان اقشار پائینی صاحب درآمد، به کارگران اختصاص دهند، و به این ترتیب در حالیکه شاخص جنبی کمایش بلا تغییر می‌ماند، درآمدهای خصوصی اقشار فقیر کاهش می‌یابد. از این موضع، بهم درآمد ۴۰٪ خانوارهایی که پائین‌ترین میزان درآمد را دارند، می‌تواند شاخص مفیدتری برای توزیع درآمد محسوب شود. اما، داده‌های جامع و همه جانبه‌ای در رابطه با این رقم موجود نبود. این کشف که قدرت نیروی کار بیش از آنچه که در کند کردن رشد یا تشدید نابرابری درآمد تأثیر داشته باشد بر سر راه پیشرفت در زمینه کاهش میزان مرگ و میر زود رس مانع ایجاد میکند. نشان می‌دهد که تأثیر اصلی آن بر توسعه انسانی در ۱۶ کشور مورد مطالعه ممکن است ناشی از تأثیری باشد که برابر تأمین خدمات عمومی برای اقشار فقیر داشته است دو مکانیسم از مکانیسم‌های علی که در یکی از بخش‌های قبل به آنها اشاره کردیم، در اینجا مشخصاً می‌توانند اهمیت پیدا کنند. نخست، اتحادیه‌های قدرتمند هزینه‌های نیروی کار را در بخش رسمی شهری تقویت می‌کنند و باعث می‌شوند تا کار فرمایان میل چندانی به استخدام کارگران جدید از خود نشان ندهند یا از روش‌های تولیدی کاربر استفاده نکند. کاهش تقاضا برای نیروی کار در بخش رسمی شهری: میزان بیکاری و اشتغال نامکفی را افزایش داده و باعث می‌شود تا تعداد بیشتری به بخش غیر رسمی شهری، یعنی به بخشی بپیوندند که در آن بیشتر در معرض مخاطرات مرگ و میر قرار دارند و دستیابی به خدمات عمومی نیز در حد پائین تری است.

دوم، اتحادیه‌های نیرومند (در پیوند با اعضای که در عداد گروه‌های شهری مرفه‌تر هستند)، می‌توانند حکومت‌ها را و دارند تا سیاست‌هایی به نفع بخش رسمی و شهری جمعیت کشور اتخاذ کنند این امر باعث غفلت دولت‌ها از فقیرتر شدن اقشار روستایی و ساکنان حاشیه‌نشین شهرها شود. چنین سیاست‌هایی دامنه‌ای وسیع، از تأمین خدمات عمومی برای بخش رسمی شهری گرفته تا استخدام دولتی، پرداخت یارانه برای مواد غذایی و نظارت بر جمعیت‌ها را شامل می‌شود که استفاده آن، به زیان تولیدکنندگان بی چیزتر روستایی، به مصرف کنندگان شهری می‌رسد.

اعضای اتحادیه‌ها تنها گروه و یا حتی عمده‌ترین گروهی نیستند که از انحراف در رسیدن امکانات و خدمات دولتی به اقشار بسیار فقیری که عمدتاً در مناطق روستایی و شهرک‌های فقیرنشین زندگی می‌کنند، منتفع می‌شوند. عامل اصلی‌ای که باعث این انحراف در تخصیص امکانات و خدمات شود، وسیع‌تر بودن ائتلاف بخش رسمی شهری است که مالکان، مدیران، کارکنان دولت، صاحبان حرف و مقامات دولتی را در بر می‌گیرد و اعضا و رهبران اتحادیه‌ها نیز جزء آنها نیستند. در آمریکای لاتین و هر جای دیگری، اعضای غیر اتحادیه‌های ائتلاف بخش رسمی شهری، حمایت‌های بازرگانی و یارانه‌های دولتی‌ای را تشویق کرده‌اند که باعث بالاتر رفتن و دستمزدهای بخش رسمی شهری، تأمین بیشتر کار و استخدام، و قدرت بیشتر اتحادیه‌ها در شرایطی که مازاد نیروی کار نیز وجود دارد شده است. از این زاویه، قدرت جنبش کارگری تا حدودی یک متغیر دخیل و ثمره فشارهای اعمال شده و سیاست‌های به عمل درآمده توسط اعضای غیر اتحادیه‌ای ائتلاف بخش رسمی شهری است.

عامل اصلی‌ای که بر سر راه توسعه انسانی در ۱۶ کشور مورد بررسی ما قرار گرفته است، این ائتلاف وسیع‌تر بخش رسمی شهری است و نه جنبش کارگری به تنهایی. بعلاوه، حتی اگر اتحادیه‌های نیرومند فشارهایی اعمال کنند که بطور غیر مستقیم به کند شدن آهنگ کاهش میزان مرگ و میر زودرس منتهی شود، از طرفی نیز مستقیماً باعث می‌شوند تا کارگران نیروی کارشان را به بهایی بیشتر عرضه کنند، شأن و اختیار بیشتری برای کارگران فراهم شود و روابط انسانی‌تری بین کار فرمایان و کارگران برقرار گردد. یک ارزیابی کامل در خصوص تأثیرات قدرت نیروی کار بر توسعه انسانی، باید اثرات مختلف را اعم از مثبت یا منفی به حساب آورد. اما در این سنجش، توجه به این نکته اهمیت دارد که رهبران و اعضای اتحادیه‌ها منفعی دارند که نه تنها با منافع گروه‌های ممتازتر نظیر کار فرمایان برخورد می‌کند، بلکه با منافع گروه‌هایی نیز که کمتر از امتیازی برخوردار دارند، نظیر اقشار فقیر روستایی و ساکنان مناطق فقیرنشین شهری در تقابل قرار می‌گیرد. تا زمانی که این متقابل‌ها جدی گرفته نشوند و بطور منظم و سیستماتیک مورد بررسی و مطالعه قرار نگیرند، مشکل بتوان سیاست‌هایی اتخاذ کرد یا مدل‌هایی ابداع نمود که هم در جهت منافع اعضای اتحادیه‌ها باشد و هم به نفع اقشار وسیع و محروم‌تر جمعیت. این احتمال وجود دارد که تحقیقات بیشتر، تحقیقاتی که به نحوی متقنی طراحی شده باشند، در آینده شرایطی بیابند که در آن این دو بخش در یک بازی صفر

- صفر به رقابت پردازند، شرایطی که در آن ایندو، و شاید بخش عمده جمعیت جامعه، با هم سقوط کنند و با هم تیز به رونق دست یابند.

یادداشتها

در اینجا لازم میدانم از افراد زیر تشکر کنم: از برنارد براون^۱ برای کمک به تحقیقات، فولکر برونشیر^۲ برای جمع آوری داده‌های اطلاعات، و آنتونی دالی^۳، جان گرینگ^۴، داندل گرین^۵، آلبرتو ایسگوت^۶، جویس جکوینسن^۷، مایکل لاول^۸، ویلیام جی. مک‌گوایر^۹، مانوس میدارسکی^{۱۰}، تیموتی پاور^{۱۱}، ریچارد استاهلر-شولک^{۱۲}، منتقدان گمنام SciD، و مرحوم جان مارتز^{۱۳} برای نظرات سودمندشان. کمک مالی ای از سوی «شورای بین المللی پاسیفیک» و کمک هزینه طراحی از طرف دانشگاه و سلیمان^{۱۴} به این تحقیق کمک کرده است.

۱ - در این پژوهش، کشورهای آمریکای لاتین از ۸ کشور تشکیل می‌شدند که ارث بزمین کولیر^{۱۵} و دیووکولیر^{۱۶} کل تحقیقات خود را در زمینه تشکیل طبقه کارگر و ارزیابی نظام‌های حکومتی در آمریکای لاتین بر روی آنها متمرکز کردند. کشورهای شرق آسیا در این پژوهش از ۸ کشور تشکیل یافته بودند که هلن هیوز^{۱۷} (۱۹۸۸) تحقیقات خود را در زمینه صنعتی شدن منطقه بر روی آنها انجام داد.

۲ - داده‌های مربوط به سرانه محصول ناخالص داخلی از ارقام داده شده در نشریه «Penn world Tables Mark» ۵/۶ اخذ شده است. (سامرز و هوستن ۱۹۹۸؛ نحوه جمع آوری این داده‌ها در مقاله سامرز و هوستن ۱۹۹۱ شرح داده شده است).

۳ - شاخص جینی عبارتست از حاصلضرب ضریب خیل در عدد ۱۰۰، در ضمیمه شماره ۱، میانگین شاخص‌های جینی برای ۱۶ کشور مورد بررسی داده شده است. چنانچه تغییرات بوجود آمده در توزیع درآمد نیز مورد بررسی قرار میگرفت آموزنده بود، اما

1. Bernard Brown	2. Volker Bronschie	3. Anthony Daley
4. John Gerring	5. Donald Green	6. Alberto Isgut
7. Joyce Jacobsen	8. Michael Ladell	9. William Meguire
10. Manus Midarsky	11. Timothy Power	12. Stahler - Sholk
13. John Martz	14. Wesleyan University	15. Ruth Berins Collier
16. David Collier	17. Helen Hughes	

تحقیقات فردی بندرت در طول یک دوره سی ساله قادراند گرایش هایی را که به صورت نهفته اند از اثرات قابل اندازه گیری آنها تشخیص و تمیز دهند. (مول^۱؛ فیلدز^۲؛ بری^۳؛ لینچ^۴؛ ارقام^۵ دیگری برای توزیع در آمد مورد بررسی قرار گرفته است.

۴ - آمارهای مربوط به طول عمر و میزان مرگ و میر، کاستی های متعددی دارند. مبنای آنها اسناد مثبت تولد، فوت است که گاه میزان کامل بودن آنها از ۹۰٪ کمتر است؛ در مواردی که ارقام ناقص یا قدیمی اند، از اقدامات جسورانه ای برای تعدیل آنها استفاده می شود؛ و در شماری از کشورها، نوزادانی که در ۲۴ ساعت اول بعد از زایمان می میرند، فوت شان در آمار دوره جنینی ثبت می شود و نه در آمار مربوط به نوزادانی که زنده بدنیا آمده اند. به این ترتیب آنها از آمار نوزادان زنده بدنیا آمده حذف می شوند که این امر باعث کمتر شدن رقم نرخ مرگ و میر کودکان نسبت به رقم واقعی آن خواهد شد. (چامی^۶؛ ۱۹۹۴). اما ارقام بدست آمده احتمالاً هم تندر در معرض خطای اندازه گیری اند که ارقام رشد و توزیع در آمد. داده های مربوط به طول عمر با امید به زندگی ای که در این بررسی ذکر شدند، برگرفته از برنامه توسعه سازمان ملل متحد (۱۹۹۶) بودند؛ میزان مرگ و میر کودکان از آمار بونسف (۱۹۹۷) و اطلاعات مربوط به تایوان از سالنامه آمار تایوان (۱۹۹۶) و ۱۹۷۵ DGBAS گرفته شده بود. در مورد طول عمر، ترجیح داده شد که از امید به زندگی در سال اول، یعنی همان چیزی استفاده شود که مورس (۱۹۷۹) برای محاسبه کیفیت مادی شاخص زندگی مورد استفاده قرار داد تا به این ترتیب اطلاعات مربوط به طول عمر و میزان مرگ و میر در کودکان تا اختل و همپوشی نداشته باشند.

۵ - آماریتا سن^۷ (۱۹۸۱: ۲۹۲) و برنامه توسعه سازمان ملل (۱۹۹۴: ۹۰۹۶)، برای سنجش موفقیت یک کشور در بهبود بخشیدن به طول عمر یا امید به زندگی، از درصد کاهش میزان مرگ و میر کودکان استفاده کرده اند. پارتا داسگوپتا^۸ (۱۹۹۳: ۱۱۷) نیز از همین پارامتر برای سنجش و مقایسه موفقیت یک کشور و پیشرفت آن در زمینه کاهش میزان مرگ و

1. Moll

2. Fields

3. Berry

4. Blackwood

5. Lynch

6. Chamie

7. Amartya Sen

8. Partha Dasgupta

میرکودکان استفاده نموده است. ناناک کاکوانی از واریانته^۱ از رقم درصد کاهش برای مقایسه پیشرفت یک کشور در کاهش این هر دو شاخص مرگ و میرکودکان سود جسته است. ۶ - بهتر این بود که از میانگین تراکم اتحادیه‌ای در کل دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۵ استفاده می‌شد، اما در رابطه با سالهای دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اطلاعاتی در دسترس نبود. برای تعدادی از کشورها. ارقام مربوط به اواسط دهه ۱۹۸۰ در دسترس بود، اما همه متعلق به یک سال نبودند، و در مورد برزیل، پرو و اندونزی هیچگونه ارقام و آماری در این خصوص برای دهه ۱۹۸۰ وجود نداشت.

۷ - متغیرهای نمایشی، نشان‌دهنده تأثیرات خاص منطقه‌ای نظیر میراث‌های فرهنگی کنفوسیوس و فرهنگ ایبری است که سایر متغیرها آنها را لحاظ نکرده‌اند.

۸ - احتمالاً تعاریف متفاوت از قدرت نیروی کار و کشورهای متفاوتی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند می‌تواند علت این باشد که چرا مارتین رامای^۲ (۱۹۹۵) در ۳۱ کشور آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب رابطه منفی قابل توجهی میان تراکم اتحادیه‌ای و رشد سرانه محصول ناخالص داخلی یافت، حال آنکه بررسی حاضر، رابطه‌ای که میان قدرت نیروی کار و رشد سرانه محصول ناخالص داخلی در ۱۶ کشور شرق آسیا و آمریکای لاتین یافته، رابطه‌ای است ناچیز و مثبت.

۹ - اطلاعات مربوط به تعداد سالهای اشتغال به تحصیل از «بارو»^۳ و «لی»^۴ (۱۹۹۴) وام گرفته شدند، سایر منابع مربوط به اشتغال به تحصیل در مقاله «بها»^۵ (۲۳۱ - ۲۳۰: ۱۹۹۷) مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱۰ - شاخص سابقه برنامه‌های تأمین اجتماعی را «فولکنزبورنشر» و «پیتر هینتز»^۶ بر اساس داده‌هایی که از یکی از نشریات به چاپ رسیده در ایالات متحده بدست آورده بودند ابداع کردند. پروفیسور بورنشر، لطف کرده و رساله‌ای را (به قلم بالر - کاتو^۷ و شیدگر^۷) که در آن شاخص سابقه اجرای برنامه‌های تأمین اجتماعی به صورت جدول بندی شده درآمده بود برای اینجانب ارسال نمودند. بروسن مون^۸ در یک بررسی در زمینه عوامل تعیین کننده شاخص کیفیت مادی زندگی (PAI) در سطح ملی، دریافت که ساتبه اجرای برنامه تأمین

1.Nanak Kakwani

2.Martin Rama

3.Barro

4.Lee

5.Peter Heintz

6.Balmer-Cao

7.Sheidgger

8.Brve Moon

اجتماعی تأثیر آماری مثبت قوی ای بر شاخص کیفیت مادی زندگی دارد. یافته‌های «مون» با آنچه که درز و سن (۱۹۸۹)، آناند و راوالیون (۱۹۹۳)، ایسترلین^۱ (۱۹۹۶ و ۱۹۹۸) و ایسترلین و کامپوسن (۱۹۹۷) عنوان کرده‌اند مبنی بر اینکه تأمین خدمات اجتماعی از سوی دولت در کاهش میزان مرگ و میر کودکان نقش بسیار مهمی دارد، منطبق است.

۱۱ - شاخص قدرت جنبش کارگری؛ تغییرات را بر مراتب بهتر از میزان مرگ و میر زود رس پیش بینی می‌کرد، شاید؛ این سبب که قدرت جنبش کارگری بیشترین تأثیر خود را بر مرگ و میر زود رس، بعد از ۱۹۶۰ گذاشت. در واقع میزان ارقام مرگ و میر زود رس در اواسط دهه ۱۹۹۰، بشدت تحت تأثیر عواملی بنظر می‌رسند که قبل از سال ۱۹۶۰ قدم به صحنه گذاشتند. به این معنا که برای ۱۶ کشور مورد بررسی در این پژوهش، رابطه صریب پیرسون میان میزان مرگ و میر کودکان بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۹۶، برابر با $۰/۷۳$ و میان طول عمر یا امید به زندگی بین سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۹۳، برابر با $۰/۸۶$ است. عوامل و فاکتورهای قبل از دهه ۱۹۶۰ و نیز شرایط اولیه‌ای را برای تغییرات در میزان مرگ و میر کودکان تشکیل میدادند و احتمالاً بر رقم و تغییرات در میزان مرگ و میر کودکان در سالهای بعد از دهه ۱۹۶۰ تأثیر داشتند، اما تأثیر آنها بسیار ضعیف تر بنظر می‌رسد. رابطه ولغت میان میزان مرگ و میر کودکان در سال ۱۹۶۰ و کاهش درصد مرگ و میر کودکان در فاصله ۱۹۹۶ - ۱۹۶۰، تنها ۱۲ - است. این نسبت بین به زندگی یا طول عمر در سال ۱۹۶۰ و درصد بهبود و پیشرفت در طول عمر در فاصله سالهای ۱۹۹۳ - ۱۹۶۰ تنها ۱۵ - می‌باشد.

۱۲ - در کشورهای ثروتمند، ارقام مختلفی از قدرت جنبش کارگری با رشد سریع تر اقتصادی و پائین تر بودن اشتغال نامکفی (کامرون ۱۹۸۴)، سیاست‌های بیشتر دولت در زمینه توزیع مجدد (هیکس و سوانک ۱۹۸۴)، پائین تر بودن میزان نابرابری در دستمزد (فریمن^۲ و مدوف^۳ ۱۹۸۴)، و میزان مرگ و میر کمتر در اطفال (ونمو^۴ ۱۹۹۳)، همراه بود داشت تحقیقات دیگری، حتی موفق به کشف رابطه‌ای پیچیده تر بین قدرت جنبش کارگری و نتایج و محصولات توسعه در کشورهای ثروتمند شده‌اند. آلوارز^۵، گارت^۶، و لائتر^۱ (۱۹۹۱) دریافتند که قدرت اتحادیه تأثیر مثبت بر رشد دارد منوط به اینکه احزاب چپ بر سر کار باشند و در

1.Easterlin

2.Freeman

3.Medoff

4.Wennemo

5.Alvarez

6.Garret

زمانی که احزاب چپ کترلی بر امور ندارند، این تأثیر منفی است. و کالمفورس^۱ و دریفیل^۲ (۱۹۹۸) دریافته‌اند که رابطه‌ای بصورت «یوی وارونه» میان تمرکز برای چانه زنی جمعی و بیکاری وجود دارد.

۱۳ - یکی از منتقدین ناشناس این مقاله مرا به این نکته واقف کرد.

۱۴ - برای نظری مشابه در این مورد، رجوع شود به نوگنت^۳: ۲۴: ۱۹۹۱

۱۵ - تحلیل‌های دیگری که تعارض منافع میان کارگران عضو اتحادیه و اقشار بسیار فقیر را مطرح کرده‌اند عبارتند از مقالات آریگی و سول^۴: ۱۹۶۸؛ بیتس^۴: ۱۹۸۱؛ مون^۴: ۴۸: ۱۹۹۱؛ نلسون^{۳۳} - ۲۳۲: ۱۹۹۲؛ رانیس و محمود^۵: ۵۰: ۱۹۹۲؛ بانک جهانی^۶: ۱۹۹۵؛ هوسمان^{۱۹۹۴}، کامپوس و روت^{۷۱} - ۷: ۱۹۹۶

۱۶ - جدول ۱ نشان می‌دهد که چگونه این شاخص ساخته شده است. محاسبه بر اساس

II. ۱۹۹۷

۱۷ - محاسبه از ۱۸۹: ۱۹۹۲، UNDP، ۳۷ - ۱۳۵: ۱۹۹۶، UNDP و در رابطه با

تایوان، از DGBAS ۳ و ۲: ۱۹۷۵ و ۲۳ و ۱۱: ۱۹۹۶، DGBAS.

۱۸ - محاسبه از یونیسف ۱۹۹۸: جدول ۱؛ در مورد تایوان محاسبه از ۳۶: ۱۹۷۵

DGBAS (برای ۱۹۶۰) و ۲۶: ۱۹۹۶، DGBAS (برای ۱۹۹۵)، هنگ کنگ (داده‌ها برای ۱۹۹۵ - ۱۹۶۰) محاسبه از یونیسف ۱۹۹۷، جدول ۱

۱۹ - ۴۹ - ۱۴۸ و ۳۷ - ۱۳۵: ۱۹۹۶، UNOP؛ محاسبات در رابطه با تایوان از ۳۳ و

۳۲ و ۱۱: ۱۹۹۶، DGBAS.

۲۰ - یونیسف ۱۹۹۸: جدول ۱؛ اطلاعات مربوط به تایوان از ۲۶: ۱۹۹۶، DGBAS

(برای سال ۱۹۹۵)؛ اطلاعات هنگ کنگ از یونیسف ۱۹۹۷: جدول ۱ (رقم مربوط به سال ۱۹۹۵)

۲۱ - دینینگر^۶ و اسکوایر^۷: ۷۷ - ۵۷۴: ۱۹۹۶، به استثنای آرژانتین، اندونزی و

ارژگوئه. اندونزی: شاخص گنی نی بر اساس مصرف و نه اطلاعات مربوط به درآمد، بنابراین ۶/۶ در کار دینینگر و اسکوایر^۷: ۷۵: ۱۹۹۶ به رقم اضافه شد. (آنطور که این دو در صفحه

1.Calmfors

2.Driffill

3.Nugent

4.Bates

5.Ranis

6.Deninger

7.Squire

۵۸۲ مقاله شان پیشنهاد کردند). آرژانتین: شاخص گینی از روی داده‌های ارائه شده در مقاله ۱۹۹۸ دینیگر و اسکوایر تخمین زده شد. شاخص ثبت شده عبارتست از میانگین هموزه چهار رقم: یک رقم مرکب برای سال ۱۹۶۱ (۴۵/۶)، یک رقم ملی برای سال ۱۹۷۲ (۳۵/۳)، یک رقم مربوط به منطقه پایتخت یا مرکزی برای سال ۱۹۶۱، معدل ضریب دار^۱ برآوردهای مناطق کشاورزی روستایی (۲۵٪) و شهری (۷۵٪) است که می‌شود ۴۷/۶٪. رقم مرکب بای سال ۱۹۶۱ برای این بدین نحو محاسبه شد که جمعیت آرژانتین در سال ۱۹۶۰، دارای ۷۵٪ جمعیت شهری بود. رقم تخمینی برای مناطق کشاورزی روستایی در سال ۱۹۶۱، میانگین ۵۰/۸ (خانوار و ۵۳/۱ (فردی) است. برآوردهای شهری برای سال ۱۹۶۱ عبارتست از ۴۲ (خانوار) و ۴۴/۹ (فردی) اوروگوئی: میانگین مربوطه از روی داده‌های ارائه شده در مقاله دینیگر راسکوایر ۱۹۹۸ بدست آمد. میانگین امتیازات مربوط به ۷ شهر باضافه مونته ویدئو برابر با ۴۱/۶ شد. و میانگین ۷ منطقه روستایی به ۳۹/۹ بالغ گردید رقم ثبت رسیده (یعنی ۴۱/۳۵)، میانگین ضریب دار ۴۱/۶ (۸۵٪) و ۳۹/۹ (۱۵٪) است، زیرا جمعیت اوروگوئی از ۸۴/۵ درصد جمعیت شهری تشکیل می‌شد (میانگین ارقام مربوط به شهرنشینی در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۹۰).

۲۲ - سرانه محصول ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۰ تقسیم بر سرانه محصول ناخالص داخلی در سال ۱۹۶۰ ارقام هر دو سرانه محصول ناخالص داخلی براساس برابری قوه خرید (نرخ بین المللی برابری دلار در سال ۱۹۸۵) می‌باشد. محاسبه شده براساس تحقیق سامرز و هوستون ۱۹۸۹، داده‌ها در کار سامرز و هوستون ۱۹۹۱ و شرح داده شده‌اند.

۲۳ - سامرز و هوستون ۱۹۹۸: داده‌ها در مقاله سال ۱۹۹۱ سامرز هوستون شرح داده

شده‌اند.

۲۴ - سامرز و هوستون ۱۹۹۸: داده‌ها در مقاله سال ۱۹۹۱ سامرز و هوستون شرح

داده شده‌اند.

۲۵ - متوسط سالهای تحصیل در سال ۱۹۶۰ در جمعیت ۲۵ ساله بی‌الای برگرفته از

مقاله «بارو» و «لی» ۱۹۹۴؛ داده در مقاله سال ۱۹۹۶ «بارو» و «لی» شرح داده شده‌اند.

۱. Weighted Average معدل ضریب دار

معدل ضریب دار معدلی است که در آن اهمیت‌هایی بصورت ضریب به افلائی داده شده که باید معدل گیری گردد. از اینرو یک قلم دارای وزن مضاعف ضریب در دو می‌شود. در تخمین معدل، جمع اقلام ضریب دار بیشتر تقسیم بر جمع وزن است تا بر شماره اقلام.

- ۲۶ - میانگین سالهای تحصیل در ۱۹۸۵ در جمعیت ۲۵ ساله بیابا برگرفته از مقاله «بارو» و «لی» ۱۹۹۴ داده‌ها در مقاله سال ۱۹۹۶ «بارو» و «لی» شرح داده شده‌اند.
- ۲۷ - میزان کل باروری در سال ۱۹۶۰ (تعداد کوددکانی که در سال ۱۹۶۰ انتظار میرفت هر زن در طول حیات خود بدنیا بیاورد). برگرفته از یونیسف ۱۹۹۸: جدول ۸
- ۲۸ - میزان کل باروری در سال ۱۹۹۶۸ برگرفته از تحقیق یونیسف ۱۹۹۸: جدول ۸ (رقم مربوط به هنگ کنگ از تحقیق یونیسف در سال ۱۹۹۷۷ جدول ۸ برگرفته شده است).
- ۲۹ - درصد کل زمین زیر کشت در مزارع کمتر و کوچک‌تر از حد معینی از مساحت (که بسته به هر کشور فرق میکند) در مقطعی در فاصله سالهای ۱۹۸۹ - ۱۹۶۳ یعنی زمانی که داده‌ها قابل دسترس شد. مأخوذ از وانهانن ۳۲ - ۲۱۵ و ۵۱ - ۴۷: ۱۹۹۷
- ۳۰ - میانگین امتیازات مربوط به دموکراسی برای هر کشور و هر یک از سالهای از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۲. برگرفته از تحقیق جاگز ۱ و گور ۲ ۱۹۹۶. برای کسب اطلاع بیشتر در خصوص گرد آمدن این اطلاعات، رجوع شود به تحقیق گور، جاگز و مور ۱۹۹۰ و کار مشترک جاگز و گور ۱۹۹۵.
- ۳۱ - امتیازات مربوط به «آزادی اقتصادی» هر کشور، برای سالهای ۱۹۷۵، ۱۹۸۰، ۱۹۸۵، و ۱۹۹۰ و نیز ۹۵ - ۱۹۹۳. هر یک از امتیازها با گرفتن میانگین ضریب دار از مقادیری که متخصصین سیاست اقتصادی ۱۷ کشور ارائه کرده بودند صورت گرفته و بدست آمد. (برای تک تک سالهای مورد نظر). داده‌های مربوطه که در استیتو فریزر در ونکودر موجود است، در مقاله گوارتنی^۳، لاوسون^۴ و بلاک^۴ ۲۴۱ - ۲۳۰ و ۵۳ - ۴۹: ۱۹۹۶ ارائه شده‌اند (از مقیاس ۱۵۱ نویسندگان مقاله استفاده شد).
- ۳۲ - جمع سالهایی در فاصله ۱۹۳۴ تا ۱۹۷۲ که در آن دولت هر یک از انواع تأمین‌های اجتماعی زیر را فراهم ساخته است (۱) خسارت برای صدمات حین کار (۲) پرداخت بابت دوران بیماری یا فوت، (۳) امکانات مربوط به افراد مسن یا در رابطه با فوت آنها، (۴) کمک هزینه عائله‌مندی، و (۵) بیمه بیکاری. حداکثر امتیاز به ۲۰۰ نرخ می‌شود. برگرفته از مقاله بالر-کائو و شیدگر ۵۶ - ۲۵۳: ۱۹۷۹.

جدول شماره (۱): محاسبه شاخص قدرت نیروی کار برای شانزده کشور آسیای شرقی و آمریکای لاتین

Legend for Chart:

- A - Labor Strength Index, 1995
 B - Labor Strength Index rank in 93-country dataset, 1995
 C - Union membership as percent of the non-agricultural labor force, 1995
 D - Collective contract coverage as percent of formal sector employees, c. 1995
 E - Dominant level of collective bargaining 3 = Industry 2 = Both 1 = Firm, 1985-95
 F - Major ILO conventions ratified (out of six), as of 1996

	A	B	C	D	E	F
Brazil	0.89	14	--	32	3	4
Argentina	0.67	20	25	73	3	3
Uruguay	0.26	29	12	22	3	4
Mexico	-0.15	47	31	--	1	3
Venezuela	-0.43	57	--	15	1	3
Colombia	-0.46	59	7	--	2	2
Philippines	-0.52	61	23	4	1	3
Taiwan, Ch.	-0.63	70	28	3	1	--
Chile	-0.73	74	16	13	1	--
Hong Kong	-0.79	78	19	4	1	--
Thailand	-0.79	79	3	27	1	--
Peru	-0.83	81	8	--	1	2
Korea, Rep.	-0.83	82	9	--	1	--
Singapore	-0.92	87	14	19	1	1
Malaysia	-1.08	89	12	3	1	1
Indonesia	-1.19	91	3	--	1	1

Source: ILO 1997: 238-257; Levin and Chiu 1993:203-204 (collective contract coverage and bargaining level in Hong Kong); Frenkel, Hong, and Lee 1993:179 (collective contract coverage and bargaining level in Taiwan); Banuri and Amadeo 1991:216 (collective bargaining level in Indonesia).

جدول شماره (۴): متغیر وابسته؛ رشد اقتصادی (تولید ناخالص داخلی سرانه در ۱۹۹۰ با روش PPP، شاخص چین + تولید ناخالص داخلی سرانه ۱۹۶۰ به روش PPP، شاخص چین).

Legend for Chart:

A - Model Number
 B - 1
 C - 2
 D - 3
 E - 4
 F - 5
 G - 6
 H - 7

A

	B	C F	D G	E H
Intercept	4.00	-0.036	-0.003	2.31
		-0.399	3.93	-1.21
GDP/capita (1960)	-0.0009 (-2.31) [b]	-0.0008 (-2.50) [b]	-0.0008 (-2.31) [b]	-0.0004 (-0.99)
		-0.0005 (-1.24)	-0.0005 (-1.07)	-0.0002 (-0.48)
Mean yrs. school (1960)	0.356 (0.69)	0.122 (0.29)	0.068 (0.14)	-0.257 (-0.72)
		-0.118 (-0.31)	-0.243 (-0.65)	-0.233 (-0.79)
Free Market Pol. (1975-95)	--	0.836 (2.85) [b]	0.916 (2.39) [b]	0.490 (1.35)
		0.948 (1.82)	0.523 (1.36)	0.392 (0.43)

Labor Strength Index

--	--	0.379	0.440
--	--	(0.34)	(0.54)
	0.624	0.447	0.405
	(0.73)	(0.53)	(0.62)

4 East Asian Tigers (0-1 Dummy)

--	--	--	3.08
--	--	--	(3.03) [b]
	3.69	2.71	2.00
	(3.07) [b]	(2.07) [a]	(1.70)

8 Lat. Am. Cntrs. (0-1 Dummy)

--	--	--	-0.951
--	--	--	(-0.70)
	-0.090	-0.520	0.868
	(-0.06)	(-0.31)	(0.69)

Democracy (avg. 1960-92)

--	--	--	--
--	--	--	--
	-0.045	--	--
	(-0.29)	--	--

Income Inequality (Gini 1960-90)

--	--	--	--
--	--	--	--
	--	-0.039	--
	--	(-0.49)	--

Family Farm Index

--	--	--	--
--	--	--	--
	--	--	0.058
	--	--	(2.31) [b]

Number of cases

16	16	16	16
	15	16	15

Adj. R Square

.18	.47	.43	.70
	.65	.67	.80

F

2.67	5.46	3.82	6.74
	4.77	5.32	9.03

Signif. of model

.12	.02	.04	.005
	.02	.01	.003

Top number: unstandardized OLS coefficient; bottom number (in parentheses): t-score a signif. at .10 level; b signif. at .05 level; c signif. at .01 level; d signif. at .001 level (all two-tailed)

جدول شماره (۳): متغیر وابسته؛ شاخص نابرابری درآمد جینی (میانگین متعدد «کیفیت بالا» دوره ۱۹۶۰-۱۹۹۰)

Legend for Chart:

- A - Model Number
- B - 8
- C - 9
- D - 10
- E - 11
- F - 12
- G - 13
- H - 14

A	B	C	D	E
		F	G	H
Intercept	-408.1	-132.0	-26.3	-28.3
		-848.5	-858.5	-1049.0
In GDP/capita (avg. 1960&90)	108.7 (1.21)	39.4 (0.45)	12.3 (0.16)	12.0 (0.14)
		219.4 (3.87) [c]	222.5 (3.64) [c]	265.0 (3.31) [b]

In GDP/capita[2] (avg. 1960&90)

-6.78 (-1.22)	-2.50 (-0.47)	-0.728 (-0.15)	-0.715 (-0.14)
	-13.7 (-3.89) [c]	-13.9 (-3.66) [c]	-16.3 (-3.37) [b]

Fertility rate (avg. 1960&96)

4.71 (1.92) [a]	6.21 (2.70) [b]	4.86 (2.36) [b]	5.14 (2.23) [a]
	5.02 (4.54) [c]	4.81 (3.70) [b]	6.74 (3.09) [b]

Labor Strength Index

--	6.02 (2.05) [a]	2.50 (0.79)	2.57 (0.77)
--	1.99 (1.23)	1.95 (1.12)	2.58 (1.32)

4 East Asian Tigers (0-1 Dummy)

--	--	-7.06 (-1.60)	-7.85 (-1.53)
--	-14.8 (-5.39) [d]	-14.4 (-4.63) [c]	-14.0 (-4.41) [c]

8 Lat. Am. Cntrs. (0-1 Dummy)

--	--	3.53 (0.86)	3.28 (0.75)
--	1.55 (0.72)	1.63 (0.71)	1.94 (0.80)

Mean yrs. school (avg. 1960&85)

--	--	--	0.590 (0.36)
--	--	-0.337 (-0.37)	--

Democracy (avg. 1960-92)

--	--	--	--
----	----	----	----

	-0.495 (-1.54)	-0.464 (-1.31)	--
In Democracy (avg. 1960-92)	--	--	--
	--	--	--
	--	--	3.65 (1.57)
In Democracy[2] (avg. 1960-92)	--	--	--
	--	--	--
	--	--	-2.96 (-2.08)
Number of cases			
16	16 15	16 15	16 14
Adj. R Square			
.19	.36 .88	.53 .87	.48 .89
F			
2.21	3.14 16.2	3.82 12.5	2.97 12.6
Signif. of model			
.15	.07 .0004	.03 .002	.07 .006

Top number: unstandardized OLS coefficient; bottom number (in parentheses): t-score a signif. at .10 level; b signif. at .05 level; c signif. at .01 level; d signif. at .001 level (all two-tailed)

جدول شماره (۴): متغیر وابسته؛ میزان مرگ و میر کودکان (کودکان ۱- سال به ازای هزار کودک متولد شده در ۱۹۹۶)

Legend for Chart:

A - Model Number
B - 15

C - 16
D - 17
E - 18
F - 19
G - 20
H - 21

A

	B	C F	D G	E H
Intercept	205.3	205.5 233.2	235.6 268.2	247.6 256.5
GDP/capita (nat. log, 1990)	-16.8 (-5.10) [c]	-16.8 (-5.10) [c]	-19.4 (-5.23) [c]	-20.4 (-4.62) [c]
		-19.3 (-4.94) [c]	-24.7 (-4.99) [c]	-21.7 (-6.62) [a]
Mean yrs. school (nat. log, 1985)	-23.9 (-2.99) [b]	-22.5 (-2.89) [b]	-30.0 (-3.19) [b]	-28.7 (-2.84) [a]
		-29.7 (-2.89) [a]	-33.5 (-3.67) [b]	-27.8 (-3.42) [b]
Labor Strength Index	-- --	4.23 (1.42)	3.37 (0.86)	3.07 (0.75)
		3.47 (0.60)	5.71 (1.44)	5.17 (1.51)
4 East Asian Tigers (0-1 Dummy)	-- --	-- --	10.51 (1.44)	8.66 (1.02)
		10.7 (1.35)	14.9 (2.01) [+]	6.68 (1.06)
8 Lat. Am. Cntrs. (0-1 Dummy)	-- --	-- --	3.69 (0.73)	4.04 (0.76)
		3.47 (0.60)	7.60 (1.40)	8.08 (1.53)

Fertility (Level 1996)			
--	--	--	--
--	--	--	--
--	--	--	-2.11
--	--	--	(-0.49)
Income Inequality (Gini 1960-90)			
--	--	--	--
--	--	--	--
--	0.04	--	--
--	(0.10)	--	--
Free-market Orientation			
--	--	--	--
--	--	--	--
--	--	3.10	--
--	--	(1.52)	--
Social Insurance Program Exper.			
--	--	--	--
--	--	--	--
--	--	--	-0.07
--	--	--	(-1.41)
Number of cases			
16	16	16	16
	16	16	15
Adj. R Square			
.76	.78	.78	.76
	.75	.80	.84
F			
24.5	18.3	11.5	8.9
	8.6	11.2	13.1
Signif. of model			
.0002	.0002	.0006	.0019
	.0022	.0008	.0007

Top number: unstandardized OLS coefficient; bottom number (in parentheses): t-score a signif. at .05 level; b signif. at .01 level; c signif. at .001 level (all two-tailed)

جدول شماره (۵): متغیر وابسته؛ امید به زندگی در بدو تولد (۱۹۹۳)

Legend for Chart:

A - Model Number
 B - 22
 C - 23
 D - 24
 E - 25
 F - 26
 G - 27
 H - 28

A

	B	C F	D G	E H
Intercept				
	16.7	16.8 5.05	6.42 9.41	9.52 7.49
	5.31	5.31 6.13	6.11 5.62	5.84 5.97
GDP/capita (nat. log, 1990)				
	(8.39) [c]	(8.10) [c] (8.96) [c]	(9.39) [c] (5.92) [c]	(7.62) [c] (9.35) [c]
Mean yrs. school (nat. log, 1985)				
	5.37 (3.49) [b]	5.45 (3.40) [b] 7.52 (4.18) [b]	7.36 (4.46) [c] 7.04 (4.04) [b]	7.69 (4.39) [b] 6.67 (4.21) [b]
Labor Strength Index				
	--	0.239 (0.39)	-0.435 (-0.64)	-0.512 (-0.72)
	--	-0.417 (-0.58)	-0.222 (-0.29)	-0.741 (-1.11)
4 East Asian Tigers (0-1 Dummy)				
	--	--	-2.38 (-1.86) [a]	-2.85 (-1.94) [a]
	--	-2.26 (-1.62)	-1.98 (-1.39)	-2.44 (-1.98) [a]
8 Lat. Am. Cntrs. (0-1 Dummy)				
	--	--	0.788 (0.87)	0.866 (0.94)

	0.652 (0.65)	1.13 (1.09)	-0.230 (-0.22)
Fertility rate (Level 1996)			
--	--	--	-0.539 (-0.72)
--	--	--	--
Income Inequality (Gini 1960-90)			
--	--	--	--
--	--	0.022 (0.33)	--
Free-market Orientation			
--	--	--	--
--	--	0.283 (0.72)	--
Social Insurance Program Exper.			
--	--	--	--
--	--	--	0.017 (1.65)
Number of cases			
16	16	16	16
	16	16	15
Adj. R Square			
.88	.87	.96	.90
	.90	.90	.90
F			
55.6	34.7	66.1	24.2
	23.0	24.2	21.0
Signif. of model			
.0000	.0000	.0000	.0000
	.0000	.0000	.0001

Top number: unstandardized OLS coefficient; bottom number (in parentheses): t-score a signif. at .10 level; b signif. at .05 level; c signif. at .01 level; d signif. at .001 level (all two-tailed)

جدول شماره (۶): متغیر وابسته؛ کاهش در مرگ و میر کودکان (درصد کاهش به سمت صفر به ازای

هزار کودک ۱۹۹۶-۱۹۶۰)

Legend for Chart:

A - Model Number

B - 29

C - 30

D - 31

E - 32

F - 33

G - 34

H - 35

A

	B	C F	D G	E H
Intercept	0.613	0.631	0.518	0.549
		0.188	0.765	0.320
GDP/cap growth (1960-90, PEP)	0.041 (3.59) [c]	-0.036 (3.07) [c]	0.046 (2.08) [a]	0.049 (2.10) [a]
		0.052 (2.39) [b]	0.068 (2.23) [a]	0.058 (2.27) [b]
Mean yrs. school (Chg. 1960-85)	-0.007 (-0.27)	-0.021 (-0.69)	-0.029 (-0.77)	-0.031 (-0.80)
		-0.008 (-0.20)	-0.068 (-1.20)	0.003 (0.06)
Labor Strength Index	--	-0.059 (-1.24)	-0.111 (-2.05) [+]	-0.125 (-2.06) [+]
	--	-0.094 (-1.75)	-0.141 (-2.27) [a]	-0.114 (-1.99) [+]
4 East Asian Tigers (0-1 Dummy)	--	--	0.055 (0.47)	0.057 (0.47)
	--	0.067 (0.59)	0.174 (0.93)	-0.043 (-0.22)
8 Lat. Am. Cntrs. (0-1 Dummy)	--	--	0.131 (1.66)	0.140 (1.68)

	C.111 (1.43)	0.026 (0.24)	0.068 (0.79)
Fertility rate (Chg. 1960-96)			
	--	--	0.014 (0.60)
	--	--	--
Income Inequality (Gini 1960-90)			
	--	--	--
	0.006 (1.33)	--	--
Family Farm Index			
	--	--	--
	--	--	--
	--	-0.004 (-1.39)	--
Social Insurance Program Exper.			
	--	--	--
	--	--	--
	--	--	0.0014 (1.64)
Number of cases			
16	16	16	16
	16	15	15
Adj. R Square			
.46	.48	.54	.51
	.57	.52	.55
F			
7.35	5.61	4.51	3.58
	4.34	3.50	3.86
Signif. of model			
.02	.02	.02	.04
	.02	.05	.04

Top number: unstandardized OLS coefficient; bottom number (in parentheses): t-score a signif. at .10 level; b signif. at .05 level; c signif. at .01 level; d signif. at .001 level (all two-tailed)

جدول شماره (۷): متغیر وابسته؛ بهبود در امید به زندگی (درصد افزایش به سمت ۸۵ سال؛
(۱۹۶۰-۱۹۹۳)

Legend for Chart:

A - Model Number
B - 36
C - 37
D - 38
E - 39
F - 40
G - 41
H - 42

A

	B	C F	D G	E H
Intercept	0.408	0.439 0.208	0.500 0.618	0.465 0.484
GDP/cap growth (1960-90, PPP)	0.021 (2.13) [a]	0.013 (1.60)	-0.003 (-0.23)	-0.007 (-0.50)
		0.002 (0.20)	0.016 (0.92)	-0.001 (-0.58)
Mean yrs. school (Chg. 1960-85)	0.005 (0.19)	-0.017 (-0.84)	-0.054 (-2.43) [b]	-0.052 (-2.35) [b]
		-0.036 (-1.77)	-0.065 (-1.99) [b]	-0.047 (-1.21)
Labor Strength Index	--	-0.100 (-3.02) [c]	-0.152 (-4.76) [d]	-0.136 (-4.03) [c]
		-0.137 (-4.99) [d]	-0.161 (-4.57) [c]	-0.146 (-3.74) [c]
4 East Asian Tigers (0-1 Dummy)	--	--	0.180 (2.58) [b]	0.177 (2.59) [b]
		0.191 (3.28) [c]	0.202 (1.89) [a]	0.153 (1.19)

8 Lat. Am. Cntrs. (0-1 Dummy)			
--	--	0.042	0.033
--	--	(0.90)	(0.71)
	0.024	-0.020	0.050
	(0.61)	(-0.32)	(0.85)
Fertility rate (Chg. 1960-96)			
--	--	--	-0.016
--	--	--	(-1.19)
	--	--	--
	--	--	--
Income Inequality (Gini 1960-90)			
--	--	--	--
--	--	--	--
	0.005	--	--
	(2.31) [a]	--	--
Family Farm Index			
--	--	--	--
--	--	--	--
	--	-0.003	--
	--	(-1.62)	--
Social Insurance Program Exper.			
--	--	--	--
--	--	--	--
	--	--	-0.0001
	--	--	-(0.12)
Number of cases			
16	16	16	16
	16	15	15
Adj. R Square			
.21	.51	.69	.71
	.79	.64	.53
F			
2.97	6.25	7.82	7.02
	10.23	5.17	3.58

Signif. of model

.11	.01	.003	.005
	.001	.02	.05

Top number: unstandardized OLS coefficient; bottom number (in parentheses): t-score a signif. at .10 level; b signif. at .05 level; c signif. at .01 level; d signif. at .001 level (all two-tailed)

GRAPH: FIGURE 1: Labor Strength and *Human Development* Indicators In Sixteen East Asian and Latin American Newly Industrializing Countries



APPENDIX 1**Development Data for 16 East Asian and Latin American Countries**

Legend for Chart:

- A - Labor Strength Index, 1995
 B - Life Expec. Incrs. (%), 1960-1993
 C - Infant Mortal. Reduc. (%), 1960-1996
 D - Life Expec. Level, 1993
 E - Infant Mortal. Level, 1996
 F - Income Ineq. (Gini), Avg 60/90
 G - Growth in per capita GDP, 1960-1990
 H - GDP per capita at PPP, 1960
 I - GDP per capita at PPP, 1990
 J - Mean Years School, 1960
 K - Mean Years School, 1985
 L - Fertil. Rate, 1960
 M - Fertil. Rate, 1996
 N - Family Farm Index, Avg 60/90
 O - Democ (Polity III), Avg 60/90
 P - Free Market Orient., Avg 75/95
 Q - Social Insur. Prog. Exper., Total 34/73

	A	B	C	D	E
		F	G	H	I
		J	K	L	M
		N	O	P	Q
Brazil	0.89	39	62	66.5	44
		57.3	2.27	1,784	4,042
		2.64	3.49	6.2	2.3
		20	4.09	2.88	162
Argentina	0.67	36	63	72.2	22
		42.3	1.05	4,462	4,706
		4.99	6.68	3.1	2.7
		22	3.75	3.86	140
Uruguay	0.26	28	56	72.6	20
		41.4	1.16	3,968	4,602
		4.28	6.45	2.9	2.3
		27	5.65	6.20	157
Mexico	-0.15	50	74	71.0	2
		53.9	2.05	2,836	5,827
		2.41	4.42	6.9	2.9
		32	0.49	4.80	104
Venezuela	-0.43	48	55	71.8	24
		44.4	0.96	6,338	6,055

		2.53 15	5.37 8.37	6.6 5.74	3.1 82
Colombia	-0.46	45 51.5 2.68 32	68 1.96 4.53 7.71	69.4 1,684 6.8 4.50	26 3,300 2.8 98
Philippines	-0.52	43 47.6 3.78 47	58 1.56 6.48 3.82	66.5 1,133 6.9 5.24	32 1,763 3.7 79
Taiwan, Ch.	-0.63	51 29.6 3.24 86	78 6.42 7.00 0.69	74.9 1,256 5.8 5.64	7 8,063 1.8 88
Chile	-0.73	60 51.8 5.00 23	90 1.50 6.45 3.54	73.9 2,885 5.3 4.46	11 4,338 2.5 194
Hong Kong	-0.79	66 41.6 5.19 --	88 6.61 7.51 --	78.7 2,247 5.0 9.30	6 14,849 1.2 --
Thailand	-0.79	52 45.5 3.45 84	70 3.80 5.08 2.70	69.2 943 6.4 5.70	31 3,580 1.8 18
Peru	-0.83	50 51.3 3.00 24	68 1.08 5.79 4.21	66.3 2,019 6.9 4.08	45 2,188 3.1 117
Korea, Rep.	-0.83	56 34.2 3.23 93	93 7.38 7.85 2.66	71.3 904 6.0 5.06	6 6,673 1.7 32

Singapore	-0.92	51	87	74.9	4
		40.1	7.06	1,658	11,710
		2.99	4.55	5.5	1.8
		92	2.55	7.72	61
Malaysia	-1.08	55	85	70.9	11
		50.4	3.61	1,420	5,124
		2.34	5.36	6.8	3.4
		42	8.29	6.40	63
Indonesia	-1.19	50	63	63.0	47
		40.1	3.09	638	1,974
		1.11	3.75	5.5	2.7
		60	0.00	5.80	52
See Endnote		16	17	18	19
			21	22	23
			25	26	27
			29	30	31
				28	
				32	

منابع

ALESINA, ALBERTO, AND DANI RODRIK

1994 Distributive politics and *economic* growth. *Quarterly Journal of Economics* 109, 2 (May): 465-485.

ALVAREZ, R. MICHAEL, GEOFFREY GARRETT, AND PETER LANGE

1991 Government partisanship, labor organization, and macroeconomic performance. *American Political Science Review* 85, 2 (June): 539-556.

ANAND, SUDHIR, AND MARTIN RAVALLION

1993 *Human development* in poor countries: On the role of private incomes and public services. *Journal of Economic Perspectives* 7, 1 (Winter): 133-150.

ARRIGHI, GIOVANNI, AND JOHN S. SAUL

1968 Socialism and *economic development* in tropical Africa. *Journal of Modern African Studies* 6, 2 (August): 141-169.

BALLMER-CAO, THANH-HUYEN, AND JURG SCHIEDEGGER

1979 Compendium of data for world-system analysis. Special issue of the *Bulletin of the Sociological Institute of the University of Zurich* (March), edited by Volker Bornschier and Peter Heintz.

BANURI, TARIQ, AND EDWARD J. AMADEO

1991 Worlds within the Third World: Labour market institutions in Asia and Latin America. In Banuri, ed., *Economic liberalization: No panacea*. Oxford: Clarendon Press.

BARRO, ROBERT

1991 *Economic* growth in a cross section of countries. *Quarterly Journal of Economics* 106, 2 (May): 407-443.

BARRO, ROBERT, AND JONG-WHA LEE

1994 Data set for a panel of 134 countries. These tables are available from the National Bureau of *Economic* Research at <http://www.nber.org/pub/barro.lee/>

1996 International measures of schooling years and schooling quality. *American Economic Review* 86, 2 (May): 218-223. Papers and Proceedings of the 108th Annual Meeting of the American Economics Association.

BATES, ROBERT

1981 *Markets and states in tropical Africa*. Berkeley: University of California Press. BERRY, ALBERT

1997 Capabilities and/or income measures in assessing *development* performance. In James W. McGuire, ed., *Rethinking development in East Asia and Latin America*. Los Angeles: Pacific Council on International Policy.

BHALLA, SURJIT S.

1997 Freedom and *economic* growth: A virtuous cycle? In Axel Hadenus, ed., *Democracy's victory and crisis*. Cambridge: Cambridge University Press.

BLACKWOOD, D. L., AND R. G. LYNCH

1994 The measurement of inequality and poverty: A policy-maker's guide to the literature. *World Development* 22, 4 (April): 567-578.

BOLLEN, KENNETH A., AND ROBERT W. JACKMAN

1985 Political democracy and the size distribution of income. *American Sociological Review* 50, 4 (August): 438-457.

BRANCO, KENNETH J., AND JOHN B. WILLIAMSON

1988 *Economic development* and income distribution: A cross-national analysis. *American Journal of Economics & Sociology* 47, 3 (July): 277-297.

BURKHART, ROSS E.

1997 Comparative democracy and income distribution: Shape and direction of the causal arrow. *Journal of Politics* 59, 1 (February): 148-164.

CAIDWELL, JOHN

1986 Routes to low mortality in poor countries. *Population and Development Review* 12, 2 (June): 171-220.

CALMFORS, LARS, AND JOHN DRIFILL

1988 Bargaining structure, corporatism, and macroeconomic performance. *Economic Policy* 6 (April): 14-61.

CAMERON, DAVID R.

1984 Social democracy, corporatism, labor quiescence, and the representation of *economic* interest in advanced capitalist society. In John Goldthorpe, ed., *Order and conflict in contemporary capitalism*. New York: Clarendon Press.

ANAND, SUDHIR, AND MARTIN RAVALLION

1993 *Human development* in poor countries: On the role of private incomes and public services. *Journal of Economic Perspectives* 7, 1 (Winter): 133-150.

ARRIGHI, GIOVANNI, AND JOHN S. SAUL

1968 Socialism and economic *development* in tropical Africa. *Journal of Modern African Studies* 6, 2 (August): 141-169.

BALLMER-CAO, THANH-HUYEN, AND JURG SCHIEDEGGER

1979 Compendium of data for world-system analysis. Special issue of the *Bulletin of the Sociological Institute of the University of Zurich* (March), edited by Volker Borschier and Peter Heintz.

BANURI, TARIQ, AND EDWARD J. AMADEO

1991 Worlds within the Third World: Labour market institutions in *Asia* and Latin America. In Banuri, ed., *Economic liberalization: No panacea*. Oxford: Clarendon Press.

BARRO, ROBERT

1991 Economic growth in a cross section of countries. *Quarterly Journal of Economics* 106, 2 (May): 407-443.

BARRO, ROBERT, AND JONG-WHA LEE

1994 Data set for a panel of 134 countries. These tables are available from the National Bureau of Economic Research at <http://www.nber.org/pub/barro.lee/>

1996 International measures of schooling years and schooling quality. *American Economic Review* 86, 2 (May): 218-223. Papers and Proceedings of the 108th Annual Meeting of the American Economics Association.

BATES, ROBERT

1981 Markets and states in tropical Africa. Berkeley: University of California Press. BERRY, ALBERT

1997 Capabilities and/versus income measures in assessing *development* performance. In James W. McGuire, ed., *Rethinking development in East Asia* and Latin America. Los Angeles: Pacific Council on International Policy.

BHALLA, SURJIT S.

1997 Freedom and economic growth: A virtuous cycle? In Axel Hadenius, ed., *Democracy's victory and crisis*. Cambridge: Cambridge University Press.

BLACKWOOD, D. L., AND R. G. LYNCH

1994 The measurement of inequality and poverty: A policy-maker's guide to the literature. *World Development* 22, 4 (April): 567-578.

BOLLEN, KENNETH A., AND ROBERT W. JACKMAN

1985 Political democracy and the size distribution of income. *American Sociological Review* 50, 4 (August): 438-457.

BRANCO, KENNETH J. AND JOHN B. WILLIAMSON

1988 Economic *development* and income distribution: A cross-national analysis. *American Journal of Economics & Sociology* 47, 3 (July): 277-297.

BURKHART, ROSS E.

1997 Comparative democracy and income distribution: Shape and direction of the causal arrow. *Journal of Politics* 59, 1 (February): 148-164.

CALDWELL, JOHN

1986 Routes to low mortality in poor countries. *Population and Development Review* 12, 2 (June): 171-220.

CALMFORS, LARS, AND JOHN DRIFFILL

1988 Bargaining structure, corporatism, and macroeconomic performance. *Economic Policy* 6 (April): 14-61.

CAMERON, DAVID R.

1984 Social democracy, corporatism, labor quiescence, and the representation of economic interest in advanced capitalist society. In John Goldthorpe, ed., *Order and conflict in contemporary capitalism*. New York: Clarendon Press.

CAMPOS, JOSE E., AND HILTON L. ROOT

1996 *The key to the Asian miracle: Making shared growth credible*. Washington, D.C.: The Brookings Institution.

CHAMIE, JOSEPH

1994 Demography population databases in *development* analysis. *Journal of Development Economics* 44, 1 (June): 131-146.

CHIEN, BAIZHU, AND YI FENG

1997 Determinants of survival-related capabilities. In James McGuire, ed., *Rethinking development in East Asia and Latin America*. Los Angeles: Pacific Council on International Policy.

COLLIER, RUTH BERJNS, AND DAVID COLLIER

1991 *Shaping the political arena: Critical junctures, the labor movement, and regime dynamics in Latin America*. Princeton: Princeton University Press.

CRENSHAW, EDWARD

1992 Cross-national determinants of income inequality: A replication and extension using

ecological-evolutionary theory. *Social Forces* 71,2 (December): 339-363.

DASGUPTA, PARTHA

1993 *An inquiry into well-being and destitution*. New York: Oxford University Press. DGBAS

1975 and 1996 *Statistical yearbook of the Republic of China*. Republic of China, Executive Yuan, Directorate-General of Budget, Accounting and Statistics.

DEININGER, KLAUS, AND LYN SQUIRE

1996 A new data set measuring income inequality. *World Bank Economic Review* 10, 3 (September): 565-591.

DEININGER, KLAUS, and LYN SQUIRE

1998 *Dataset on income inequality and associated explanatory notes*. This data set is available from the World Bank at <http://www.worldbank.org/html/prdmg/grthweb/dddeisqu.htm>.

DREZE, JEAN, AND AMARTYA SEN

1989 *Hunger and public action*. Oxford: Clarendon.

EASTERLIN, RICHARD A.

1996 *Growth triumphant: The twenty-first century in historical perspective*. Ann Arbor: University of Michigan Press.

EASTERLIN, RICHARD A., AND NAURO F. CAMPOS

1997 *Mortality reduction in East Asia and Latin America: An historical perspective*. In James W. McGuire, ed., *Rethinking development in East Asia and Latin America*. Los Angeles: Pacific Council on International Policy.

EASTERLIN, RICHARD A.

1998 *How beneficent is the market? A look at the modern history of mortality*. Working Paper, Center for International Studies, School of International Relations, University of Southern California.

FIELDS, GARY

1994 Data for measuring poverty and inequality changes in developing countries. *Journal of Development Economics* 44, 1 (June): 87-102.

FREEMAN, RICHARD B., AND JAMES L. MEDOFF

1984 *What do unions do?* New York: Basic Books.

FRENKEL, STEPHEN, JON-CHAO HONG, AND BIH-LING LEE

1993 *The resurgence and fragility of trade unions in Taiwan*. In Stephen Frenkel, ed., *Organized labor in the Asia-Pacific region: A comparative study of trade unionism in nine countries*. Ithaca, NY: Cornell University Press.

GURR, TED ROBERT, KEITH JAGGERS, AND WILL. H. MOORE

1990 The transformation of the Western state: The growth of democracy, autoocracy, and state power since 1800. *Studies in Comparative International Development* 25, 1 (Spring 1990): 73-108.

GWARTNEY, JAMES, ROBERT LAWSON, AND WALTER BLOCK

1996 *Economic freedom of the world, 1975-1995*. Vancouver: The Fraser Institute.

HAGGARD, STEPHAN

1990 *Pathways from the periphery: The politics of growth in the newly industrializing countries*. Ithaca: Cornell University Press.

HAUSMANN, RICARDO

1994 *Sustaining reform: What role for social policy?* In Colin Bradford, ed., *Redefining the state in Latin America*. Paris: OECD.

HICKS, ALEXANDER, AND DUANE SWANK

1984 *On the political economy of welfare expansion*. *Comparative Political Studies* 17, 1 (April): 81-119.

HILL, M. ANNE, AND ELIZABETH M. KING

1993 *Women's education in developing countries: An overview*. In Elizabeth M. King and M. Anne Hill, eds., *Women's education in developing countries: Barriers, benefits, and policies*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.

HUGHES, HELEN, ED.

1988 *Achieving industrialization in East Asia*. Cambridge: Cambridge University Press. ILO [International Labour Office]

1997 *World labour report 1997-98: Industrial relations, democracy, and social stability*. Geneva: International Labour Office. The statistical appendix to this publication was also available from the ILO at <http://www.ilo.org/public/english/80relpro/publ/wlr/97/annex/>

JAGGERS, KEITH, AND TED ROBERT GURR

1995 *Tracking democracy's third wave with the Polity III data*. *Journal of Peace Research* 32, 4, 469-482.

JAGGERS, KEITH, AND TED ROBERT GURR

1996 *Polity III: Regime type and political authority, 1996* [Computer file]. 2nd ICPSR version. Boulder, CO: Keith Jagers/College Park, MD: Ted Robert Gurr [producers], 1995. Ann Arbor, MI: Inter-university Consortium for Political and Social Research. [distributor]. The Polity III dataset is also available at <http://www.colorado.edu/IBS/GAD/spacetime/data/Polity.html>

JOHNSON, NANCY L., AND VERNON W. RUTTAN

1994 Why are farms so small? *World Development* 22, 5 (May): 691-706.

JOURNAL OF *DEVELOPMENT* STUDIES

1993 Special issue on urban bias, Vol. 29, 4 (July).

KAKWANI, NANAK

1993 Performance in living standards: An international comparison. *Journal of Development Economics* 41, 2 (August): 307-336.

KAUFMAN, ROBERT R.

1990 How societies change developmental models or keep them: Reflections on the Latin American experience in the 1930s and the postwar world. In Gary Gereffi and Donald L. Wyman, eds., *Manufacturing Miracles: Paths of Industrialization in East Asia and Latin America*. Princeton: Princeton University Press.

KORPI, WALTER

1983 *The democratic class struggle*. London: Routledge.

KUZNETS, SIMON

1955 Economic growth and income inequality. *American Economic Review* 45, 1 (March): 1-28.

LEVIN, DAVID A., AND STEPHEN CHIU

1993 Dependent capitalism, a colonial state, and marginal unions: The case of Hong Kong. In Stephen Frenkel, ed., *Organized labor in the Asia-Pacific region: A comparative study of trade unionism in nine countries*. Ithaca, NY: Cornell University Press.

LIPTON, MICHAEL

1977 Why poor people stay poor: Urban bias in world *development*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

LOFCHIE, MICHAEL

1989 *The policy factor: Agricultural performance in Kenya and Tanzania*. Boulder: Lynne Rienner.

MCGUIRE, JAMES W.

1995 *Development* policy and its determinants in *East Asia* and Latin America. *Journal of Public Policy* 14, 2 (April): 205-242.

1998 Labor strength and *human development* in ninety-three countries. Paper prepared for delivery at the 1998 Annual Meeting of the American Political Science Association, Boston, MA, September 3-6, 1998.

MCGUIRE, JAMES W., AND NAURO F. CAMPOS

1997 Rethinking *development*: Concept, policies, and context. In James W. McGuire, ed., *Rethinking development in East Asia and Latin America*. Los Angeles: Pacific Council on

International Policy.

MCGUIRE, WILLIAM J.

1983 A contextualist theory of knowledge: Its implications for innovation and reform in psychological research. In Leonard Berkowitz, ed., *Advances in experimental social psychology*, Vol. 16. New York: Academic Press.

1989 A perspectivist approach to the strategic planning of programmatic scientific research. In Barry Gholsen, et al., eds., *Psychology of science: Contributions to metascience*. New York: Cambridge University Press.

MESA-LAGO, CARMELO

1983 Social security and extreme poverty in Latin America. *Journal of Development Economics* 12, 1/2 (February/April 1983): 83-110.

MOLL, TERENCE

1992 Mickey mouse numbers and inequality research in developing countries. *Journal of Development Studies* 28, 4 (July): 689-704.

MOON, BRUCE E.

1991 *The political economy of basic human needs*. Ithaca: Cornell University Press.

MORLEY, SAMUEL

1995 *Poverty and inequality in Latin America: The impact of adjustment and recovery in the 1980s*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.

MORRIS, MORRIS D.

1979 *Measuring the condition of the world's poor: The Physical Quality of Life Index*. New York: Pergamon Press.

MURTHI, MAMTA, ANNE-CATHERINE GUIO, AND JEAN DREZE

1995 Mortality, fertility, and gender bias in India: A district-level analysis. *Population and Development Review* 21,4 (December): 745-782.

NELSON, JOAN M.

1992 Poverty, equity, and the politics of adjustment. In Stephan Haggard and Robert R. Kaufman, eds., *The Politics of economic adjustment*. Princeton: Princeton University Press.

NUGENT, JEFFREY B.

1991 The demise of economic *development* in Latin America and its implications for other developing countries. *Journal of Economic Development* 16, 1 (June): 7-35.

OLSON, MANCUR

1982 *The rise and decline of nations*. New Haven: Yale University Press.

PRITCHETT, LANT, AND LAWRENCE H. SUMMERS

1996 Wealthier is healthier. *Journal of Human Resources* 31, 4 (Fall): 841-868.

RAMA, MARTIN

1995 Do labor market policies and institutions matter? The adjustment experience in Latin America and the Caribbean. *Labour* 1995, S243-S269.

RANIS, GUSTAV, AND SYED AKHTAR MAHMOOD

1992 The political economy of *development* policy change. Cambridge, MA: Blackwell.

SACHS, JEFFREY D.

1985 External debt and macroeconomic performance in Latin America and *East Asia*. *Brookings Papers on Economic Activity* 2: 523-573.

SCHULTZ, T. PAUL

1993 Returns to women's education. In Elizabeth M. King and M. Anne Hill, eds., *Women's education in developing countries: Barriers, benefits, and policies*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.

SEN, AMARTYA

1981 Public action and the quality of life in developing countries. *Oxford Bulletin of Economics and Statistics* 43, 4 (November): 287-319.

1985 *Commodities and capabilities*. Amsterdam: Elsevier Science Publishers.

1993 *Capability and well-being*. In Martha Nussbaum and Amartya Sen, eds., *The Quality of Life*. Oxford: Clarendon Press.

SIMPSON, MILES

1990 Political rights and income inequality: A cross-national test. *American Sociological Review* 55, 5 (October): 682-693.

STANDING, GUY

1992 Do unions impede or accelerate structural adjustment? Industrial versus company unions in an industrializing labour market. *Cambridge Journal of Economics* 16, 3 (September): 327-354.

STEPHENS, JOHN

1979 *The transition from capitalism to socialism*. Urbana: University of Illinois Press.

SUMMERS, ROBERT, AND ALAN HESTON

1991 The Penn World Table (Mark 5): An expanded set of international comparisons, 1950-1988. *Quarterly Journal of Economics* 106, 2 (May): 327-368.

1998 The Penn World Tables Mark 5.6. These tables are available from the National Bureau of Economic Research at <http://nber.org/pwt56.html>

UNDP [United Nations *Development* Programme]

1992, 1994, 1996, 1997 *Human development* report. New York: Oxford University Press. UNICEF

1997, 1998 State of the world's children. Tables from these sources are available on the UNICEF gopher server at gopher://gopher.unicef.org:70/11/

UNITED STATES. DEPARTMENT OF HEALTH, EDUCATION, AND WELFARE

1974 Social security programs throughout the world, 1973. Washington, D.C.: U.S. Department of Health, Education, and Welfare.

VALENZUELA, J. SAMUEL

1989 Labor movements in transitions to democracy: A framework for analysis. *Comparative Politics* 21, 4 (July): 445-472.

VALENZUELA, J. SAMUEL

1994 Recasting state-union relations in Latin America. In Colin Bradford, ed., *Redefining the state in Latin America*. Paris: Organisation for Economic Cooperation and *Development*.

VANHANEN, TATU

1997 Prospects of democracy: A study of 172 countries. London and New York: Routledge.

WALLERSTEIN, MICHAEL

1989 Union organization in advanced industrial democracies. *American Political Science Review* 83, 2 (June): 481-501.

WALLERSTEIN, MICHAEL, MIRIAM GOLDEN, AND PETER LANGE

1997 Unions, employers' associations, and wage-setting institutions in northern and central Europe, 1950-1992. *Industrial and Labor Relations Review* 50, 3 (April 1997): 379-401.

WEEDE, ERICH

1992 Military participation, economic growth, and income inequality: A cross-national study. In Steve Chan and Alex Mintz, eds., *Defense, welfare, and growth*. London and New York: Routledge.

WENNEMO, IRENE

1993 Infant mortality, public policy, and inequality: A comparison of 18 industrialised countries 1950-85. *Sociology of Health and Illness* 15, 4 (September): 429-446.

WOOD, CHARLES, AND JOSIE ALBERTO MAGNO DE CARVALHO

1988 The demography of inequality in Brazil. Cambridge: Cambridge University Press.

WORLD BANK

1995 World *development* report. New York: Oxford University Press.